

دو فصلنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی

# نشر داد

شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

انجمن علمی حقوق دانشگاه محقق اردبیلی



انجمن علمی حقوق دانشگاه محقق اردبیلی





عنوان نشریه: نشرداد

زمینه انتشار: علمی، فرهنگی و اجتماعی

ترتیب نشریه: دوفصلنامه

شماره انتشار: ۹

تاریخ انتشار: پاییز و زمستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: انجمن علمی حقوق دانشگاه محقق اردبیلی

مدیر مسئول: جناب آقای دکتر سیف‌اله مدبر

سر دبیر: اسما آرامی

شماره و تاریخ مجوز: ۱۴/۰۸/۹۷ | ۳۱۴۸/الف

شماره و تاریخ آخرین تغییرات: ۱۳/۱۰/۱۴۰۱ | ۵۵۴۵/م/الف

ناظر علمی: جناب آقای دکتر سیف‌اله مدبر

کارشناس نشریات: مهندس حامد نقی‌زاده

هیئت تحریریه: اسما آرامی، علی محمد محمدی، مهدی زلالی

همکاران نشریه: فرشید قدیم‌خانی، محمد طالبی، امیرحسین ادریسی، پریسا امین‌زاده

طراح جلد و صفحه‌آرایی: مریم رحمتی

ارتباط با ما



UMA\_SLA



UMA\_SLA

آدرس:

دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی



## فهرست

### بخش اول: مقالات علمی..... ۶

۹..... علل و مبانی فقهی عدم پذیرش شهادت زنان در جرایم حدی

۱۹..... تجری و انقیاد از منظر فقه و قانون مجازات اسلامی

۲۷..... بررسی حقوق ورزشی در اسلام

۳۷..... عوامل موثر در بزهکاری اطفال و نوجوانان و نقش پیشگیری کنشی در جلوگیری از آن

### بخش دوم: فرهنگی..... ۴۸

۵۱..... معرفی کتاب

۵۳..... معرفی شخصیت

۵۷..... مصاحبه

### بخش سوم: تفکر انتقادی..... ۶۳

۶۵..... تحلیل و نقد حقوقی فیلم «قسم»



## سخن سردبیر

به رنج اندر آری تنت را رواست      که خود رنج بردن به دانش سزااست

پیشرفت روز افزون دانش حقوقی و ضرورت ارائه نتایج پژوهش‌ها و تحقیقات علمی برای استفاده محققان و علاقه‌مندان امری اجتناب‌ناپذیر است.

در این جهت دوفصلنامه نشرداد تلاش کرده است در فرآیند و ثبت و نشر و ارتقاء سطح این پژوهش‌ها تاثیر گذار و در ایجاد بستر مناسب برای توسعه ارتباط میان پژوهشگران عرصه حقوق و دیگر دانش‌های مرتبط داشته باشد و به این مشارکت و خدمت افتخار می‌کند.

دو فصلنامه نشرداد وابسته به انجمن علمی حقوق دانشگاه محقق اردبیلی سعی بر آن دارد با چاپ مقالات دانشجویان عزیز گامی هرچند کوچک در جهت کمک به ارتقای سطح دانش حقوقی علاقمندان به رشته حقوق بردارد.

تلاش شما عزیزان در بالا بردن کیفیت و سطح نشریه علمی بسیار موثر است لذا تقاضا داریم تا در ادامه راه پربارتر از قبل ما را یاری بفرمایید.

در پایان تشکر میکنم از تمام عزیزانی که در این دوفصلنامه با ارسال آثار خود ما را همراهی نموده‌اند.

با تشکر

اسما آرامی

سردبیر نشریه نشرداد

# بخش اول [ ۰۱ ] مقالات علمی



- ۹.....علل و مبانی فقهی عدم پذیرش شهادت زنان در جرایم حدی
- ۱۹.....تجری و انقیاد از منظر فقه و قانون مجازات اسلامی
- ۲۷.....بررسی حقوق ورزشی در اسلام
- ۳۷.....عوامل موثر در بزهکاری اطفال و نوجوانان و نقش پیشگیری کنشی در جلوگیری از آن



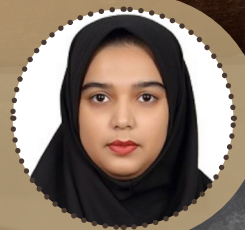
# علل و مبانی فقهی عدم پذیرش شهادت زنان در جرایم حدی



اسما آرامی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه محقق اردبیلی

asmaarami81@gmail.com



نابرابری ارزش اثباتی شهادت زنان در حقوق ایران همواره جزو یکی از مسائل چالش برانگیزی بوده که مورد توجه نویسندگان و فمینیست ها بوده است با توجه به مطالعات صورت گرفته در این زمینه می توان نتیجه گرفت که این مسئله برگرفته از باور های سنتی و تفکرات اسرانیلیات است که معتقد بودند که زن از دنده چپ حضرت آدم خلق شده و همین امر باعث شده که زن موجودی ثانوی در نظر گرفته شود در کنار این باور ها، برداشت ناقص از آیات و روایات سبب شده که زن موجودی ناقص العقل تلقی شده و از شهادت آنها در مسائل حدی و مشورت با آنها جلوگیری شود چنین باورهای غلطی فرصتی است برای مخالفان اسلام تا آن را پدیده ای ضد زن معرفی کرده و تنش و دو دستگی در جامعه ایجاد بکند از اینرو برای حل این چالش در این مقاله به دنبال علت عدم پذیرش شهادت زنان و رسیدن به یک باور منطقی هستیم.

واژگان کلیدی: شهادت، نقص عقل، جرایم حدی، فقه

#### □ مقدمه

مسئله شهادت زنان جزو موارد مهم در حوزه مطالعات زنان است که بررسی دقیق آن گام مهمی در جهت اعتلای مفاهیم متعالی انسان، کرامت بخشی به زنان و زدودن شبهه نابرابری حقوق زنان و مردان است.

در فقه امامیه و به تبع آن قانونگذار ایران در مواردی شهادت زنان را نپذیرفته است و در مواردی هم که پذیرفته به آن توان اثباتی کمتری نسبت به مردان داده است این در حالی است که براساس بند ۲ ماده ۱۵ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان دو

ل عضو در امور مدنی به زنان اختیارات و امکانات قانونی دقیقا یکسان با مردان و نیز شرایط مساوی برای بهره برداری از این اختیارات و امکانات اعطا خواهند کرد دول عضو برای انعقاد قرارداد و اداره املاک برای زنان حقوقی برابر با مردان قائل شده و با ایشان در کلیه مراحل دادرسی در دادگاهها و مراجع قضایی به صورت یکسان رفتار خواهند کرد.

در قرآن کریم در چهار مورد از گواهی و تعداد شهود سخن به میان آمده است که یک مورد آن به طور مشخص از گواهی زن و میزان ارزش آن صحبت شده است که آن آیه ۲۸۲ سوره بقره است :

«وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّاهِدَاتِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى»

از همین رو سوالی که مطرح میشود این است که چه علت منطقی و محکمی در خصوص عدم شهادت زنان وجود دارد آیا این مسئله برگرفته از حقیقت اسلام است یا به نوعی تفکر سنتی و مردسالارانه بر می گردد برای پاسخ به این سوال ابتدا به بیان موارد عدم پذیرش شهادت زنان در اسلام و حقوق ایران پرداخته و سپس با بررسی چگونگی خلقت زن و هویت وجودی او به چرایی وجود چنین حکمی می پردازیم. ارزش اثباتی شهادت زنان در مذاهب اسلامی و حقوق ایران

ابتدا در این بحث به موارد عدم پذیرش شهادت زنان در نزد فقه امامیه، اهل سنت و حقوق ایران به طور جداگانه خواهیم پرداخت.

□ ارزش اثباتی شهادت زنان در فقه امامیه

اطلاع ندارند و آگاهی یافتن آنها دشوار است یا جواز نظر را ندارند مانند ولادت و عیوب مخفی زنان شهادت زنان به صورت انفرادی پذیرفته شده است و در این مسئله ادعای عدم رویت خلاف شده است همچنین شهادت یک زن به تنهایی در مورد زنده متولد شدن یک کودک در ربع میراث و در ربع وصیت پذیرفته است و اگر دو زن باشند در نصف اگرچه زن باشند دسته چهارم اگر چهار نفر باشند در تمام میراث و وصیت پذیرفته است و بر این مطلب ادعای عدم رویت خلاف شده است همچنین شهادت زنان بر شهادت در دیون و اموال و عقود پذیرفته شده است اما در دیگر موارد مورد پذیرش واقع نشده است. (هوشمند، محمدی، ۱۳۹۱)

#### □ ارزش اثباتی شهادت زنان در فقه اهل سنت

از از موارد حق الله در خصوص حدود به جز زنا و قصاص مذاهب چهارگانه اتفاق دارند که تنها با شهادت دو مرد ثابت می‌شود و در آنها شهادت زنان نه همراه با مردان و نه به صورت انفرادی پذیرفته نمی‌شود در خصوص حد زنا بر خلاف نظر غالب فقهای امامیه که شهادت زنان را به صورت انضمامی پذیرفته‌اند مذاهب اهل تسنن اتفاق نظر دارند که جز به شهادت ۴ مرد عادل از مسلمانان ثابت نمی‌شود در خصوص الناس در اموری که مردان از آن اطلاع دارند یعنی در حقوق مدنی مانند نکاح و طلاق و عده و حواله و وقف و صلح و وکالت و وصیت از نظر حنفیه این حقوق با شهادت یک مرد یا دو زن ثابت می‌شود از نظر شافعیه و مالکیه و حنبلی شهادت زنان با مردان پذیرفته نیست مگر در اموال و توابع آن مانند بیع و اجاره و هبه و

از موارد حقوق الله فقها اتفاق نظر دارند که زنا و لواط و مساحقه با شهادت ۴ مرد و موارد موجب حد یعنی سرقت و قذف و ارتداد و شرب خمر با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود بنابراین در این که شهادت مردان به تنهایی میتواند این موارد را به اثبات رساند

هیچ اختلافی وجود ندارد و در این که شهادت زنان به تنهایی نمی‌تواند هیچ یک از حقوق الله را ثابت نماید ادعای عدم خلاف شده است (دادمرزی، ۱۴۰۰).

شهادت زنان به صورت انضمامی و همراه با شهادت مردان در حقوق الله پذیرفته نشده است اما در مورد برخی حقوق الله مانند زنا برخی قائل شده‌اند که شهادت زنان مطلقاً در زنا پذیرفته نیست این نظر از سلا و شیخ مفید نیز نقل شده است اما غالب فقها معتقدند که شهادت زنان به صورت انضمامی موجب اثبات است به این ترتیب که زنا با شهادت سه مرد و دو زن و یا دو مرد و چهار زن هم ثابت می‌شود اما در مورد شهادت دو مرد و چهار زن برخی معتقدند رجم ثابت نمی‌شود بلکه تنها تازیانه ثابت می‌شود (قانون مجازات اسلامی).

در دعاوی مربوط به قصاص میان فقها اختلاف نظرهایی مشاهده می‌شود که این اختلاف نظرها ناشی از اختلاف روایات است در برخی روایات شهادت زن در دم پذیرفته نشده است که بسیاری از فقها بر این مبنا شهادت زنان را در حدود و قصاص پذیرفته‌اند اما در برخی دیگر صراحتاً شهادت زن در قصاص پذیرفته شده است و برخی فقها بر اساس آنها شهادت زنان را به صورت ضمیمه در قصاص پذیرفته‌اند. در مواردی که غالباً مردان نسبت به آنها

کفالت چون اصل عدم قبول شهادت زنان به دلیل غلبه عواطف بر آنها و ضعف و اختلال در حفظ و ضبط امور و نداشتن ولایت بر اشیا است اما مواردی که مال نیست مانند طلاق وکالت در این موارد با شهادت دو مرد ثابت می‌شود.

## □ ارزش اثباتی شهادت زنان در حقوق ایران

در قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب نسبت به ارزش اثباتی شهادت زنان با توجه به جرایم و حقوقی که به مناسب وسیله شهادت به اثبات برسند وجود دارد که عمدتاً مبتنی بر نظر مشهور فقهای امامیه میباشد این ۳ مورد بدین بیان است:

الف) مواردی که شهادت زنان اصلاً پذیرفته نیست:

۱. جرائم قتل عمد (۲۳۷ ق.م.ا)
۲. لواط (۱۱۷ ق.م.ا)
۳. مساحقه (۱۲۸ ق.م.ا)
۴. قوادی (۱۳۷ ق.م.ا)
۵. قذف (۱۵۳ ق.م.ا)
۶. شرب خمر (۱۷۰ ق.م.ا)
۷. محاربه (۱۸۹ ق.م.ا)
۸. سرقت (۱۹۹ ق.م.ا)

این موارد فقط با شهادت مردان قابل اثبات است و با شهادت زنان قابل اثبات نیست.

ب) مواردی که شهادت زنان به انضمام شهادت مردان پذیرفته است:

در جرم زنان طبق ماده ۷۴ قانون مجازات اسلامی که موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم با شهادت ۴ مرداد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت میشود و مطابق ماده ۷۵ این قانون در صورتی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت

دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می‌شود و ماده ۷۶ تصریح می‌کند که شهادت زنان به تنهایی یا به انضمام شهادت یک مرد عادل زنا را ثابت نمی‌کند.

در جرائم قتل غیر عمد شهادت زنان میتوانند در اثبات آن موثر باشد به نحوی که این نوع قتل با شهادت ۲ مرد یا یک مرد عادل و دو زن عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت میشود.

در دعاوی مالی یا آنچه مقصود از آن مال می‌باشد از قبیل دین، ثمن مبیع، معاملات، وقف، اجاره وصیت و ... با گواهی دو مرد یا یک مرد و دو زن قابل اثبات دانسته شده است.

پ) مواردی که شهادت زنان بدون نیاز به انضمام با شهادت مردان پذیرفته است:

در خصوص مواردی که مشاهده آنها برای مردان جایز نیست از قبیل ولادت، رضاع، بکارت، عیوب درونی زنان گواهی چهار زن یا دو مرد یا یک مرد و دو زن جهت اثبات پذیرفته شده است.

پس از بررسی موارد عدم پذیرش شهادت زنان در جرایم حدی به بیان علت و چرایی این مسئله در حقوق ایران خواهیم پرداخت:

## □ قرآن و خلقت زن

در تفکر سنتی تفوق مردان بر زنان چند فرض حاکم است که:

۱) در جریان خلقت انسان مخلوق اصلی مرد است و زن از دنده چپ مرد خلق شده و لذا از این حیث وجود ثانوی و فرعی است و نه تنها از مرد خلق شده است بلکه برای مرد خلق شده است.

۲) زن عامل هبوط آدم از بهشت، بود لذا مستحق تحقیر و عذاب است. به منظور نقد و بررسی این تفکر و نیز ارائه چهره ای

ربوبیت واحده منسوب است با توجه به عبارت خلق منها زوجها موجب می شود که بسیاری از تصورات سخیف راجع به زن طرد و انکار شود تصوراتی این گونه که زن منبع رجس و پلیدی است اصل و اساس شر و بلاست در حالی که طبق این آیه شریفه بین زن و مرد هیچ تفاوتی وجود ندارد (سید قطب، ۱۳۱۴).

همچنین در آیه «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا...» زمر / ۶؛ او شما را از یک نفس آفرید و همسرش را از باقیمانده گل او خلق کرد.

منظور از «نفس» حقیقت شی است به عبارت دیگر خداوند به انسان گوشزد میکند که او را از یک حقیقت آفریده است (اصفهانی، ۱۳۶۱) و تعبیر به «ثم جعل منها زوجها» اشاره به این است که خداوند آدم را آفرید و سپس همسرش را از همان حقیقت واحد خلق کرد به عبارتی خداوند به برابری بین زن و مرد اشاره دارد، لذا آفرینش حواء بعد از آفرینش آدم بوده است و قبل از آفرینش فرزندانشان (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳-۱۳۶۶) بسیاری با استناد به این آیه و نیز روایاتی - که ریشه در اسرائیلیات داشته و هماهنگ با مطلبی است که در فصل دوم از «سفر تکوین» تورات موجود آمده است - تلاش کرده اند تا اثبات کنند که زن از آخرین دنده چپ آدم آفریده شده است و از همین مطلب نتایج سخیف دیگری از جمله نقص در هویت و شخصیت انسانی زن را ارائه میدهند در حالی که نه تنها عقل چنین مطلبی را نمی پذیرد و ظواهر آیات قرآن نیز چنین بیانی ندارند بلکه حس و تجربه نیز خلاف آن را ثابت نموده است زیرا بر اساس این گونه روایات اگر خداوند آخرین دنده چپ آدم

که قرآن کریم از زن به تصویر می کشد ناگزیر از بررسی آیات قرآن کریم میباشیم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء / ۱)

ای مردم از مخالفت پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی در روی زمین منتشر ساخت و از خدایی بپرهیزید (که همگی به عظمت او معترفید) و هنگامی که چیزی از یکدیگر می خواهید نام او را میبرید (و نیز) از (قطع رابطه با) خویشاوندان خود پرهیز کنید زیرا خداوند مراقب شماست (نعمتی پیرعلی، ۱۳۸۶).

منظور از «نفس» در آیه شریفه عبارتست از واقعیت عینی شی و منظور از آن روح و مانند آن نیست و نیز آمده است نفس عبارتست از تشخیص شی از آن جهت که هست، یعنی واقعیت عینی یک چیز را نفس میگویند (فراهدی، ۱۴۱۴).

با توجه به این مطلب می توان گفت منظور از «نفس واحده» حقیقت وجودی انسان است که آدم و حوا در آن مشترکند آیه شریفه با طرح این مطلب در مقام بیان این مسئله است که انسان ها همگی از حیث حقیقت وجودیشان یکسان و مشابه هستند و با همه کثرتی که دارند از یک حقیقت و ریشه منشئ شده اند. این مطلب به زیبایی در تفسیر «فی ضلال القرآن» به این صورت بیان شده است آیه اشاره می کند که بشریت از یک اراده واحده صادر شده و از یک اصل واحد منبعث گشته است حقیقت این است که بشریت به انسانیت واحد و

را برگرفته و از آن حواء را خلق کرده باشد ناگزیر مردان باید در طرف چپ خود یک دنده کمتر داشته باشند.

به طور کلی در مورد نوع خلقت زن دو تفسیر وجود دارد یک دسته معتقد هستند که از گل ساخته شده است و دسته ای دیگر معتقد هستند که از دنده چپ حضرت آدم خلق شده است که این تفسیر اسرائیلیات است و قابل اعتماد نمی باشد با توجه به آیات و روایات می توان دریافت که خداوند برای حضرت آدم همسری از جنس او آفریده و آن ها را برابر قرار داده است اما راجع به کیفیت خلقت حوا سخنی به میان نیاورده است (نعمتی پیرعلی، ۱۳۸۶).

#### □ جنس زن و قرآن

گروهی از زنان به دلیل غلبه عوامل خارجی بر آنان و به واسطه فقدان رشد و عدم تربیت و تعلیم صحیح به مراتب بالای انسانی دست نیافته و از رشد و تربیت صحیح محروم مانده اند.

در محدوده اتصاف برخی از زنان به اوصافی نظیر نقصان عقل و ایمان و صفاتی از این قبیل اشتباهی رخ داده و آن این است که از این اوصاف با استناد به برخی آیات و روایات و دستاویز قرار دادن آنها استفاده شده و حکمی مطلق درباره صنف زن ارائه شده است این اشتباه در طول تاریخ ادامه یافته و به جریانی دینی فرهنگی تبدیل شده است که بطور مستقیم و غیر مستقیم در شخصیت زن مسلمان تاثیر منفی به جای گذاشته و در طول تاریخ صنف زن را به انزوا کشانده به عبارت دیگر برداشت ناصحیح از آیات و روایاتی این گونه موجب شده است که زنان نیز به این باور برسند که عضوی طفیلی در جامعه بوده و در درجه دوم قرار دارند از جمله اوصافی که به زن

نسبت داده شده است صفت نقصان عقل است (نعمتی پیرعلی، ۱۳۸۶).

#### □ نقص عقل زن و شهادت او

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينِ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمْلَ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيَّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رَجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكَمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

(سوره بقره، آیه ۲۸۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید، چون و امی تا مدتی معین به یکدیگر دهید، آن را بنویسید. و باید در بین شما کاتبی باشد که آن را به درستی بنویسد. و کاتب نباید که در نوشتن از آنچه خدا به او آموخته است سریچی کند. و مدیون باید که بر کاتب املاء کند و از الله، پروردگار خود بترسد و از آن هیچ نکاهد اگر مدیون سفيه یا صغير بود یا خود املاء کردن نمی توانست، ولی او از روی عدالت املاء کند. و دو شاهد مرد به شهادت گیرید. اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن که به آنها رضایت دهید شهادت بدهند، تا اگر یکی فراموش کرد دیگری به یادش بیاورد. و شاهدان چون

اما قرآن کریم درباره علت و حکمت استشهاد دو زن به جای یک مرد مجالی برای حدس و گمان باقی نگذاشته و خود واضح معلل است زیرا می‌فرماید: «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى...» ضلال و فراموشی علل مختلفی می‌تواند داشته باشد از جمله عدم خبره بودن زن و یا کمی خبرویت او نسبت به موضوع تعاق (سید قطب، ۱۴۱۳) و دیگر به جهت انگیزه‌های خاصی که در وجود زن است و همین انگیزه‌ها موجب می‌شود تا زن در این گونه امور و شهادت به آنها کمتر دقت و توجه نماید (طالقانی، ۱۳۵۸-۱۳۶۶) این انگیزه‌ها ممکن است عواطف و برانگیخته شدن حس دلسوزی و ترحم نسبت به فرد خطاکار باشد که موجب می‌شود زن تغییری در شهادت خود ایجاد کند (ابوالنین، ۱۴۱۸ هـ) در بیان علت انتصاب نسیان و فراموشی به زن می‌توان چنین استدلال نمود که ذهن در زمینه‌ای فعال و موثر عمل می‌کند که فرد در آن مجال مشغول بوده و فعالیت می‌کند و از آنجا که زن مشغول به امور زندگی در محدوده خانه خویش می‌باشد نسبت به اموری مانند تعاق و معاملات ممکن است دچار فراموشی شود به عبارت دیگر علاقه به خانه و پرداختن به امور مختلف خانه انگیزه دیگری است که موجب می‌شود ذهن زن به این گونه امور توجه و دقت کافی نداشته باشد (همو، ۱۳۸۲) (حسن خانی، ۱۳۸۹).

علاوه بر قرآن کریم در علم روانشناسی هم بر یکسان بودن حافظه کلی زنان و مردان اشاره شده است آنها اشاره دارند که به طور کلی حافظه در بین جنسیت‌ها نسبتاً پایدار است و صرفاً در برخی از مسائل و با توجه به روحیات آنها تفاوتی

به شهادت دعوت شوند، نباید که از شهادت خودداری کنند. و از نوشتن مدت دین خود، چه کوچک و چه بزرگ، ملول مشوید این روش در نزد خدا عادلانه‌تر است، و شهادت را استواردارنده‌تر و شک و تردید را زایل‌کننده‌تر. و هرگاه معامله نقدی باشد اگر برای آن سندی ننویسید مرتکب گناهی نشده‌اید. و چون معامله‌ای کنید، شاهی گیرید. و نباید به کاتب و شاهد زبانی برسد، که اگر چنین کنید نافرمانی کرده‌اید. از خدای بترسید. خدا شما را تعلیم می‌دهد و او بر هر چیزی آگاه است. یکی از دلایل بروز ارزیابی منفی از هویت زن مسئله شهادت زن و آیه ای است که در قرآن کریم در این ارتباط موجود می‌باشد. قائلین به نقصان عقل زن از این آیه سود جسته و چنین استنتاج می‌کنند که زنان به دلیل نقصان عقل، با مردان برابر نیستند.

غالب مفسرین علت یا حکمت حکم مذکور را شدت احساسات و عواطف زن و امکان تحت تأثیر قرار گرفتن و انفعال او در برابر حوادث دانسته‌اند. برخی نیز حکمت را اشتغال بیشتر زن در امور خانه و اطلاعات کمتر نسبت به مرد در امور اقتصادی جامعه و معاملات دانستند نظر دیگری که بیان شده این است که حافظه زن ضعیف‌تر از حافظه مرد نیست بلکه در برخی امور مانند خانه‌داری و تربیت بچه و تدبیر منزل، زنان غالباً حافظه‌ای قوی‌تر از مردان دارند اما در امور خارجی یا اجتماعی مردان هستند که نوع آن حافظه قوی‌تری دارند و به عبارتی قوت و ضعف حافظه در مردان و زنان به نسبت اموری است که مربوط به وظایف و روحیات آنها می‌شود (هوشمند، محمدی، ۱۳۹۱).

جزئی با هم دارند برای نمونه مردان در دریافت و شناخت مفاهیم انتزاعی و کلمات مجرد (مانند جوهر، عرض و روح) برترند؛ اما زنان در کاربرد واژگان، ادای کلمات و مهارت های خواندن و سخنوری موفق تر هستند. دخترچه ها زودتر از پسرها زبان باز می کنند و لکنت زبان کمتری دارند (سید غلامحسین حسینی، ۱۳۷۹).

این مسئله که مردها خیلی زود همه چیز را فراموش می کنند علت بسیاری از کشمکش ها است به طور کلی وقتی به صورت دائم یا حداقل بیشتر اوقات با استرس مزمن سروکار دارید، حافظه دچار اختلال می شود. افرادی که دارای استرس مزمن هستند، بیشتر در معرض فراموشی و حواس پرتی قرار دارند. همچنین به ندرت خاطرات و اطلاعات را به یاد می آورند. همین موارد ممکن است روی حافظه کوتاه مدت، از جمله پیدا کردن اشیاء هم تاثیر بگذارد به بیان دیگر افزایش سطح کورتیزول در بدن با کاهش حافظه در ارتباط است. در واقع در این حالت مغز ترجیح می دهد منابع خود را صرف مسائل حیاتی کند نه حافظه و این مسئله مختص به زنان یا مردان نیست یک امر کلی است که مغز انسان در مواجهه با استرس و اضطراب از خود بروز می دهد از همین رو همان طور که احتمال فراموشی وقایع تلخ در زنان وجود دارد در مردان نیز امکانپذیر است (دکتر کاشوتی، بی تا).

با توجه به وجوهی که مفسرین در بیان تعلیل فراموشی زن برشمرده اند از جمله اشتغال زن به امور منزل و ... پذیرش شهادت زنان در برخی امور نشان می دهد که نسیان و فراموشی در شهادت امری عارضی است و ارتباطی با ذات خلقت زن

ندارد بنابراین با مرتفع شدن این امور با آموزش و فعالیت زنان در اجتماع این حکم نیز مرتفع می شود.

### □ بحث و نتیجه گیری

با توجه به اهمیت شهادت زنان همواره نویسندگان زیادی از دیرباز تا کنون این مسئله را با توجه به دیدگاه های فمینیستی، مردسالاری یا به طور منطقی مورد نقد و بررسی قرار داده اند. برخی از نویسندگان علت عدم پذیرش شهادت زنان در جرایم حدی را احساسات و عواطف زنان و تحت تاثیر قرار گرفتن از محیط را عنوان کرده اند آنها معتقد هستند با توجه به اینکه زنان بیشتر در منزل هستند و از محیط جامعه اطلاعاتی ندارند ممکن است تحت تاثیر محیط پیرامون قرار گرفته و نتوانند به درست شهادت دهند.

در کنار این نویسندگان گروه دیگری علت این مسئله را نقص عقل زن عنوان کرده اند آنها معتقد هستند که انسان از دنده چپ حضرت آدم خلق شده است و موجودی ثانوی است گروه دیگر نیز از نویسندگان با استناد به آیات و روایات این مسئله را اثبات کردند اما اشتباه اساسی این گروه سوم این است که بدون توجه به شرایط محیط و با سطحی نگری چنین استنباطی از آیات داشته اند و همین سطحی نگری باعث بدبینی مردم نسبت به دین و دودستگی بین افراد می شود اما در این مقاله سعی شد با دیدگاهی منطقی و با ژرف نگری خط بطلانی بر دیدگاه های سنتی کشید. از تعمق در آیات و روایات گوناگون از جمله سوره بقره و نسا و ... می توان نتیجه گرفت که زن موجودی مستقل است و یک موجود ثانوی نیست و این دیدگاه ها صرفاً برگرفته از اسرائیلیات است که رشد کرده است.

به مطالب ارائه شده علت اینکه شهادت زنان در مسائل حدی در مواردی اصلا و در مواردی به ضمیمه شهادت مردان پذیرفته شده است به دلیل جایگاه زنان در جامعه و باورهای سنتی ناشی از اسرائیلیات و تفسیر نادرست آیات بود است طبیعتا در جامعه مردسالاری که دختران خود را زنده به گور می کردند و اجازه حضور در مجامع عمومی را نمی دادند شهادت زنان در محکمه به ویژه در مسائل حدی غیر ممکن بود اما با توجه به گذشت زمان و تغییرات به وجود آمده در زمینه حقوق زنان و حضور گسترده و پررنگ آنها در اجتماع ، پویایی دین اسلام و همچنین حمایت سازمان های بین المللی ، انتظار می رود که فقها این آیات را با توجه به شرایط و عرف موجود امروزی تفسیر کرده و نظرات خود را در قانون نیز اعمال کنند.

همچنین با تعمق در آیات و علم روانشناسی می توان گفت ضلال و فراموشی علل مختلفی می تواند داشته باشد مثل عدم خبره بودن ، کمی خبرویت یا استرس. که این مسئله مختص به زنان نیست چه بسا مردان هم در مسائلی که زنان بیشتر به آن اشتغال دارند فراموشکار و غیر متخصص هستند.

از این رو در جامعه ای که فعالیت زنان به انجام کار های خانه و بچه داری محدود بود و در امور بیرون از خانه از جمله تجارت دخالتی نداشتند عدم اطلاع از قواعد مربوط در این زمینه دور از ذهن نیست و به همین سبب نیازی به آموزش در این زمینه هم نداشتند و این طبیعی است که انسان امور غیر مهم را فراموش بکند بنابراین این مسئله اشاره به یک نقص ذاتی در وجود زنان ندارد. پس با توجه

۱. قرآن کریم
۲. قانون مجازات اسلامی
۳. کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان ، ۱۹۸۱، سازمان ملل متحد
۴. عبدالسلام، ابوالنیل، محمد، حقوق المراه فی السلام، هجر للطباعة و النشر، ۱۹۹۸ م
۵. امین اصفهانی، مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان) تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱
۶. حسن خانی، احمد رضا، ۱۳۸۹، نگاهی به دیدگاه ها مفسران در مورد گواهی زنان در قرآن، ص ۲۱۲-۲۱۳
۷. هوشمند فیروز آبادی، حسین ، محمدی جورکویه، علی (۱۳۹۱)، بررسی ارزش اثباتی شهادت زنان و حکمت آن، ص ۱۱-۱۳
۸. احمدوند، خلیل، آهنگر نژاد، فائزه، بررسی فقهی اذن زوج در تحمل و ادای شهادت زنان (۱۴۰۰) شماره ۸، فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
۹. فراهیدی، خلیل ابن احمد، ترتیب کتاب العین، تهران: اسوه، ۱۴۱۴، ج ۳ ص ۱۸۲۲
۱۰. نعمتی پیر علی، دل آرا، شخصیت زن در قرآن و کتاب مقدس، قم: مجنون، ۱۳۸۱
۱۱. حیدری راد، طیبه، ۱۴۰۰، بررسی تطبیقی شهادت زنان با استناد به آیه ۲۸۲ بقره از دیدگاه مولفان لیدن و تسنیم، شماره ۱۷، دوفصلنامه ترویجی محطالعات قرآن و حدیث
۱۲. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، تهران، چاپ دانشگاه تهران
۱۳. سید قطب، فی ضلال القرآن، قاهره: دارلشرق، ۱۴۱۳ ه
۱۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق ۱۳۴۴
۱۵. معین، محمد، ۱۳۸۱، فرهنگ معین، جلد اول
۱۶. دادمرزی، سید مهدی، دوره کامل فقه استدلالی، تهران:، کتاب طه، ج اول و دوم ۱۴۰۰
۱۷. مجلسی، محمد باقر، بحار النوار، بیروت: موسسه الوفا، ۱۴۰۳ ه
۱۸. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۶-۱۳۵۸ ش
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه ۱۳۶۶-۱۳۵۳ ش
۲۰. همو، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲
21. Dr. Kashouty (nd). <https://premierneurologycenter.com/blog/-6ways-stress-affects-y>

# تجری و انقیاد از منظر فقه و قانون مجازات اسلامی



مهدی زلالی  
دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه محقق اردبیلی



## □ چکیده

بر اساس تجرّی و انقیاد یک زمانی فرد قصد می کند عمل حرامی انجام دهد و انجام هم می دهد اما در واقع آن عمل حرام نیست و یک زمانی می خواهد به واجبات عمل کند از قضا عمل هم می کند اما در واقع آن عمل واجب نیست. در مورد تجرّی نظر علما متفاوت بوده و اختلافی هست اما نظر اکثریت بر این است که متجّرّی مستحق مجازات است. اما در مورد انقیاد جملگی نظر بر این دارند که منقاد مستحق ثواب است.

واژگان کلیدی: تجرّی، انقیاد، متجّرّی، منقاد، جرم محال، جرم عقیم، عقاب، ثواب

## □ مقدمه

همواره ممکن است این سوال پیش بیاید آیا شخص متجّرّی و منقاد مستحق عقاب یا ثواب هستند یا نه؟ تعریف تجرّی و انقیاد و فرقی که باهم دارند و نظر علما در مورد حکم آنها در مطالب ذیل آورده شده هست.

### ۱. معنای لغوی و اصطلاحی تجرّی

تجرّی در لغت به معنای گستاخ شدن، جری شدن و به معنای اظهار جرات است یعنی اینکه انسان در برابر هر کار عظیم و خطرناکی اظهار جرات کند، که ما در لغت به چنین کسی متجّرّی می گوئیم.

در اصطلاح اصول، تجرّی عبارت است از مخالفت حکم قطعی یا حجت فعلیه با عدم موافقتش با واقع، به عبارت دیگر جرات کردن بر مخالفت با حکم خدا است. «اظهار الجرأة علی المولاء بالاقدام علی خلاف ما قطع بوجوبه و حرمته عند الخطأ.»

یعنی شخصی بر وجوب یا حرمت چیزی یقین کند سپس واجب را ترک نماید و

حرام را مرتکب شود و بعد معلوم شود که واجب یا حرام نبوده است مثلاً یقین دارد که این مایع خمر است و باید از آن اجتناب کند، ولی اجتناب نمی کند بلکه بر خلاف قطع و یقین خود آن را مرتکب می شود، و یا یقین پیدا می کند که فلان عمل واجب است و باید آن را انجام دهد، ولی بر خلاف قطع و یقین خود عمل می کند و آن را انجام نمی دهد، منتها بعداً کشف می شود که قطعش جهل مرکب، و مخالف واقع بوده است.

### ۲. تجرّی به معنای اصطلاحی آن، چند قید دارد:

- در مقابل مولا باشد.
- بر خلاف قطعش عمل کند و اقدام نماید.

- قطعش هم مخالف واقع باشد.

### ۳. معنای لغوی و اصطلاحی انقیاد:

انقیاد در لغت به معنای گردن نهادن و تسلیم شدن است. در معنای لغوی اش اعم از اطاعت است.

در اصطلاح عبارت است موافقت حکم با عدم موافقتش با واقع یعنی اینکه شخص احتمال دهد که فلان شی واجب است لذا آن را به جا می آورد و بعد معلوم می شود که واجب نبوده است. به عبارت دیگر انقیاد، در مقابل تجرّی و به معنای موافقت اعتقادی با حجت شرعی یا عقلی است (۱).

### ۴. مفاهیم مقابل تجرّی و انقیاد:

تجرّی در لغت اعم از عصیان است، معصیت عبارت است از مخالفت و حکم با مطابقتش با واقع، مثل اینکه شخص قطع پیدا کند که مایع کذایی خمر است و آن را مرتکب شود و در واقع نیز خمر باشد.

انقیاد اعم از اطاعت است، اطاعت عبارت است از موافقت حکم با مطابقتش با واقع مثل اینکه شخص قطع پیدا کند که مایع

ارتکاب جرمی عملیات اجرایی آن را آغاز میکند و تا مرحله آخر نیز ادامه میدهد اما بنا به دلایلی خارج از اراده مرتکب، نظیر عدم مهارت، جرم منظور واقع نمی شود و نتیجه نافرجام می ماند در این حالت جرم عقیم واقع شده است.

مثلاً شخصی که قصد قتل دیگری را دارد دارویی سمی تهیه میکند که با ترکیب آنها دارو را به فرد بخوراند لیکن در ترکیب دارو مهارت و دانایی لازم را ندارد در نتیجه دارو خاصیت کشندگی خود را از دست میدهد و با وجود خوردن دارو هیچ اتفاقی نمی افتد (۲).

#### ۷. آیا جرم محال یا جرم عقیم قابل مجازات است؟

قانونگذار بر این عقیده است که در برابر رفتار خطرناکی که از فاعل جرم محال سرزده، واکنش موثر ضروری است، هر چند که به دلیل انتفاء موضوع و یا ناکارایی ابزار و وسیله جرم، تحقیق جرم، محال و ممتنع بوده است.

پیش بینی مجازات در تبصره ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مویّد این موضوع است.

قانونگذار اراده ارتکاب جرم را در رفتار مرتکب بازتاب یافته با تعبیر «اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است» قابل مجازات دانسته است. طبعاً اگر فاعل به اختیار خود از انجام دادن این اقدامات منصرف میشد اتهامی متوجه او نمی بود اما قانونگذار در مورد جرم عقیم صراحتاً تعیین تکلیف نکرده است و تعیین مجازات به استناد ماده ۱۲۲ که ناظر به شروع جرم است و همچنین تبصره این ماده که مربوط به جرم محال است محل اشکال است زیرا در فرض کسی که به علت عدم مهارت و دقت لازم در تیراندازی نمیتواند

کذایی خمر است و آن را ترک نماید و در واقع نیز همراه باشد (۱).

#### ۵. تجری در چه قطعی جریان دارد؟

در مقابل «تجری» انقیاد قرار دارد، در مقابل «اطاعت» معصیت، تجری در جایی متصور است که واقع مداخلیت داشته باشد، یعنی حکم روی واقع برود، چه واقع تمام موضوع باشد و یا جزء موضوع باشد.

این دو صورت متصور است، یکی در قطع طریقی محض، مانند جایی که شارع می فرماید (خمر حرام است). اما در جایی که واقع مداخلیت ندارد، بلکه قطع تمام موضوع است، چون اگر قطع تمام موضوع باشد، مخالفت با آن معصیت است نه تجری، مانند جایی که می فرماید: (سفر حرام نرو). پس تجری در دو جایگاه مطرح می شود؛ یکی در قطع طریقی محض، دیگری هم در قطع طریقی جزءالموضوع، در این دو صورت مخالفت با قطع تجری محسوب می شود. همانطور که تجری در قطع متصور است در حجج شرعیه هم متصور می باشد، مثلاً وقتی بینة وجود داشت که در لیوان خمر است و فرد نوشید و بعد مشخص شد که سرکه بوده است. مسئله انقیاد هم همانند تجری علاوه بر قطع در حجج شرعیه هم راه دارد.

#### ۶. مفهوم مشابه تجری در حقوق جزا

جرم محال: فاعل شروع به ارتکاب جرم می نماید ولی نه به دلیل عامل خارج از اراده او، بلکه به دلیل عدم امکان وقوع نتیجه در خارج یا عدم کفایت وسیله، تحقق جرم امکان پذیر نمی باشد مثلاً کسی به سمت دیگری و با قصد قتل او شلیک می نماید در حالی که آن فرد قبلاً مرده است یا اقدام به سقط جنین زنی می نماید در حالی که آن زن اساساً حامله نیست. جرم عقیم: گاهی اوقات مرتکب با قصد

به هدف خود یعنی کشتن دیگری برسد این نامرادی به واسطه عامل خارج از اراده او حاصل نشده بلکه معلول عدم مهارت خود او بوده است.

تبصره ذیل این ماده نیز با این عبارت «- لکن به جهات مادی که مرتکب از آن بی اطلاع بوده و وقوع جرم غیر ممکن باشد-» حکم جرم محال را بیان کرده است.

به استناد این تبصره هم نمیتوان در مثال پیش تیزانداز تازه کار را محکوم کرد زیرا در اینجا نیز جهات مادی نیست که در تحقق نیافتن جرم موثر بوده بلکه بی تجربگی مرتکب، عامل اصلی بی نتیجه ماندن تلاش های او بوده است. و با توجه به لزوم قانونی بودن جرایم و مجازاتها و امتناع از تفسیر موسع قوانین کیفری در وضع کنونی مقررات کیفری حکم خاصی برای جرایم عقیم نمی توان یافت (۳).

## ۸. اقسام التجری

تجری بر شش قسم است و از این شش قسم، ما سه قسم آن را بحث می کنیم: (الف) تصمیم بگیرد که کار حرامی را انجام بدهد، ولی دوباره از تصمیم خود برگردد. (ب) تصمیم بر انجام کار حرامی بگیرد و بعضی از مقدمات آن را هم انجام بدهد. (ج) تصمیم بر انجام کار حرامی بگیرد و مقدمه و ذی المقدمه را انجام بدهد، یعنی علاوه بر تصمیم خود آن عمل را هم انجام بدهد، منتها قطعش خلاف واقع از آب بیرون بیاید.

إذا علمت هذا الامور، فاعلم ان الكلام يقع تارة في حكم نفس ارتكاب ما قطع بحرمة مثلاً و أنه هل حرام أولاً؟ و أخرى في حكم الفعل المتجرى به الذی تحقق التجري في ضمنه من حيث الحرمة و عدمها، ولأجل ذلك يقع الكلام في في مقامين:

(الف) حکم نفس التجری

(ب) حکم فعل المتجرى به

در الف، درباره ی عنوان ثانوی بحث می کنیم، یعنی خود این جرات بر مولا و این پرده دری بر «مولا»، حلال است یا حرام؟ به این می گویند: «تجرى». اما در ب، ما کار به پرده دری نداریم بلکه میخواهیم ببینیم که خود این «شرب الماء» چه حکمی دارد، یعنی این آبی که من قطع کرده بودم که خمر است، خود این «شرب الماء» چه حکمی دارد؟ به این می گویند: «فعل المتجرى» (۴).

۱-۲. نظر برخی از علما در مورد حرمت تجری

اینکه تجری حرام است یا نه در میان علما از جمله آخوند

خراسانی، مرحوم شیخ انصاری و صاحب فصول اختلاف نظر وجود دارد.

۲-۲. دیدگاه قائلین به حرمت تجری و لزوم مجازات

نظر محقق خراسانی:

برخی اصولیین از جمله محقق خراسانی معتقد به حرمت تجری و برخورد کیفری با متجربان میباشند. ایشان نظریه خود را اینگونه بیان و استدلال میکنند.

حقیقت این است که مخالفت با قطع حتی اگر خالف واقع باشد موجب مجازات و عقاب است و مواخذه و مذمت به خاطر تجری صحیح است چون متجری از عبودیت و اطاعت خارج شده است و عزم بر عصیان کرده و در صدد طغیان است.

این نظریه در برابر این اشکال که مجازات متجری، به معنای مجازات افراد، صرفاً به دلیل داشتن قصد و نیت مجرمانه است پاسخ میدهند، تجری چیزی فراتر از قصد و نیت است چون در صدد اجرا و اقدام

عقاب می دانند چون حق الطاعه مولا را به جا نیاورده است (۷).

در نهایت این دسته از اصولین به این نکته تأکید میکنند که تجویز تجری و ترخیص آن مساوی با تجویز جرم و معصیت است و نباید به حال خود رها شود.

۱-۳. نظریه عدم تحریم و مجازات تجری  
شیخ انصاری قدس الله نفسه الزکیه که بحث تجری را برجسته تر کرده است، می فرماید:

درباره تجری اختلاف نظر بین فقهاء وجود دارد. آراء فقهاء به دو دسته تقسیم می شود: دسته اول می گویند تجری موجب استحقاق عقاب هم است، دسته دوم می گویند تجری قبح و مذمتی دارد اما در حد نکوهش و سرزنش شخص که عمل نشان داده است این متجری سوء سریره دارد اما قبح فعلی ندارد.

فعل متجری به طبیعی است که مفسده ندارد براساس فرض. بنابراین فقط قبح فاعلی دارد نه قبح فعلی. بعد می فرماید: ظاهر اصحاب اتفاق دیده می شود بر اینکه تجری موجب استحقاق عقاب هم می شود، فعل از سر تجری انجام گرفته موجب عقاب است (۸).

شهید قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «لا تؤثر نيه المعصيه عقاباً و ثواباً ما لم يتلبس بها». ایشان می فرماید: که نیت معصیت ثواب و عقاب ندارد تا وقتی که عملاً تلبسی به آن معصیت انجام نشده باشد. در این رابطه مثالی می زند می فرماید: اگر کسی قطع داشته باشد که این گوسفند مال مردم است و بعد به ذبح آن گوسفند مبادرت کند و معلوم شود که گوسفند مال خودش بوده، عقابی نبوده. کسی که به کشتن گوسفند خودش عقاب

نیز برآمده است و مجازات به مجرد سوء سریرت نیست.

مرحوم عراقی در تنقیح الاصول ضمن تأیید این نظریه میگوید:

مجازات بر تجری جایز است و فرقی بین کسی فعل او مطابق با واقع یا مخالف امر شارع بوده یا نبوده نیست. مهم قصد ارتکاب جرم است. مالک مبعوضیت جرم، هتک جرم و ظلم به موال شارع است (۵). علامه حلی می فرماید:

اگر کسی گمان کند که وقت ضیق شده برای نماز و تسامح کند و استمرار بدهد در تسامح خودش، اگر که کشف خلاف شود یعنی معلوم شود که وقت ضیق نبوده و نماز در وقت انجام گرفته. بعید نیست که بگوییم «الرأی هو عدم استحقاق العقاب».

همچنین در مختلف الشیعه ممنوعیت و حرمت تجری را به جمهور علما نسبت داده و بیان میدارد کسی که علم اجمالی به نجس بودن یکی از دو ظرف حاوی مایع دارد مجاز به استفاده از هیچ کدام نیست (۷).

محقق سبزواری نیز در ذخیره ضمن تأیید این قول به بناء عقلاء بر استحقاق مجازات متجری و حکم عقل به قبح تجری، استناد میکند، ایشان استدلال میکنند اگر مجازات را مبتنی بر مصادف با واقع شدن عمل قرار دهیم بی عدالتی است زیرا متجری و عاصی در همه شرایط یکسان هستند جز اینکه اتفاقاً فعل یکی منجر به نتیجه نشده است مبتنی کردن مسوولیت و مجازات بر یک امر اتفاقی، خارج از اراده و برخالف بنا عقلاست.

شهید صدر (ره) می فرماید:  
از آنجایی که قائل به مسلک حق الطاعه هستند، تجری را حرام می دانند و شخصی که مرتکب تجری شده است را مستحق

نمی شود. و همینطور اگر کسی اقدام به قتل مومنی، براساس علم و قطع خودش مومنی را به قتل رساند، معلوم شد که این مقتول مهدور الدم بوده، عقابی ندارد کار خلافی انجام نداده (۹). صاحب فصول قدس الله نفسه الزکیه می فرماید:

تجری قبح ذاتی ندارد بلکه بالوجه و الاعتبار است. اگر وجهی بود و اعتباری بود بر قبح و مذمت همان است و اگر نبود هم این. خود تجری ذاتاً حکم ندارد. مثال می زند که می گوید اگر مولی عبد خودش را امر کند که برود عدو و دشمنش را به قتل برساند. عبد رفت تا نزدیکی ها همان مورد و هدف مشخص که گفته بود «هذا عدونا اقتل.» رفت و آن فرد را به قتل نرساند، تحقیق کردند دیدند عدو نبوده ابن مولی بوده. اینجا قبحی نیست، شاید تشکر هم بکند که فرزندم را به قتل می رساندی اگر اطاعت می کردی. شاید تقدیر بکند.

عکس آن اگر وجه و اعتبار فرق داشت، مولی گفت عدو را به قتل برسان دنبال عدو حرکت کرد ولی در مسیر کار تجری کرد، خواست عدو را نکشد و اهمال کرد یا مسامحه کرد به نحوی که عدو از قلمرو قتل نجات یافت. این تجری این است که نکشته دشمن را اما یک اثر سوء به جا گذاشته که مولی ناراضی است، اعتبار اینجا عدم رضایت مولی است، مذمت خواهد داشت از قبل مولی. پس در نتیجه تجری قبح ذاتی ندارد، بلکه بالوجه و الاعتبار است (۱۰).

آیت الله مکارم شیرازی می فرماید: متجری در خور نکوهش است چرا که نه فقط نیت عصیان داشته بلکه اعمالی را

هم بر این نیت مترتب کرده است، ولی مخالفتی با حکم خدا در واقع نکرده است (۱۱).

مرحوم نایینی:

ایشان از طرفداران عدم مجازات به شمار میرود معتقد است گر چه در تجری قبح فعلی وجود ندارد؛ اما قبح فاعلی وجود دارد؛ بنابراین چون قبح فعلی ندارد لذا مرتکب مجازات نمیشود. قبح فعلی و قبح فاعلی الزم و ملزوم یکدیگر نیستند. گاهی قبح فعلی هست و قبح فاعلی نیست مانند اشتباه در حکم یا موضوع و گاهی نیز به عکس قبح فاعلی هست ولی قبح فعلی نیست مانند تجری.

#### ۹. فرق تجری با انقیاد:

تجری و انقیاد، هنگامی پیش می آید که قطع انسان به تکلیف، مخالف واقع باشد. پیروی از چنین قطعی را انقیاد و مخالفت با آن را تجری میگویند.

#### ۱۰. منقاد مستحق ثواب هست

منقاد، مستحق مدح و ثواب است، زیرا برای انجام خواسته مولا اقدام نموده ولی به خطا رفته است. در کتاب «دروس فی علم الاصول» آمده است:

«و کما يستحق المتجری العقاب کالعاصی، کذلک يستحق المنقاد الثواب بالنحو الذی يفترض للممتثل، لان قیامهما بحق المولی علی نحو واحد...»

در باب انقیاد همه اتفاق نظر دارند که انقیاد نشانهی حسن سریرهی و حسن باطن افراد است و شخص منقاد مستحق مدح است و هم چنین مستحق ثواب نیز هست. حتی در باب اخبار «مَنْ بَلَغَ»، روایاتی که می فرماید هر کس حدیثی را بشنود که فلان عمل فلان ثواب را دارد، و آن کار را به قصد آن ثواب انجام دهد، آن ثواب را

اما چنانکه بیان شده این گروه گاهی متجری را با عنوان دیگری غیر جرم مد نظرش قائل مجازات و گاهی وی را قابل سرزنش و فعل او را قبیح و حاکی از سو سریرت وی و جرأت بر نقض دستور شارع دانسته و قائل به این نیستند که باید وی را به کلی رها کرد لذا در اینجا به قانونگذار توصیه نمیکنیم دست به جرم انگاری محدود رفتارهای بسیار پرخطر که به جرائم سنگینی مانند قتل و امثال آن منتهی میشود اقدام نماید. دوم اینکه برخی مصادیق تجری بدون جرم انگاری بتواند مشمول اقدامات تامینی و تربیتی معین گردد.

این نوع واکنش با هدف باز سازگاری و باز جامعه پذیری افرادی که مرتکب رفتار انحرافی شده اند، بدون برچسب مجرمانه و تعمیق جامعه ستیزی آنان صورت میگیرد و الاقل در این گونه موارد بهتر میتواند خطر ارتکاب بزه و سلب امنیت جامعه را مرتفع نماید.

میبرد حتی اگر پیامبر(ص) نفرموده باشد. برخی اصولیون خیلی دقیق مانند امام خمینی میفرمایند این احادیث دلالت بر استحباب ندارد، اما کسی که این افعال را انجام دهد، ثواب میبرد، گرچه عمل مستحب نیست (۱۲).

#### □ نتیجه گیری

با توجه به قوانین موجود در مورد جرم محال متوجه میشویم که قانونگذار کیفری در صدد وارد کردن مفهوم حالت خطرناک در نظام حقوق کیفری خود و استفاده از آن بوده است. برجسته ترین مصادیق حالت خطرناک، عبارت از تجری نسبت به ارتکاب جرم در قالب رفتارهایی مانند جرم محال، جرم عقیم و شروع به جرم است. در تجری نیز نقطه نظر علمای موافق با مجازات متجری، همان حالت خطرناک متجری هست که مستحق عقاب می دانند. گروه دوم از علما که طرفدار عدم مجازات متجری می باشند، هر چند تجری را قابل مجازات با عنوان مجرمانه اصلی نمیدانند

۱. علم اصول در فقه و قوانین موضوعه، استاد خلیل قبله ای خویی، ص-۱۳۶ علم. اصول، آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی، ص. ۲۳۶
۲. حقوق کیفری عمومی، دکتر حسین آقایی جنت مکان، ص ۲۸۷
۳. حقوق جزای عمومی، محمدعلی اردبیلی، جلد یک، ص ۱۶۹
۴. درس خارج اصول آیت الله سبحانی.
۵. کتاب القضاء (ضیاءالدین عراقی)، ص ۲
۶. تذکره الفقهاء، علامه حلی، جلد یک، ص ۸
۷. حلقه ثالثه، شهید صدر (ره)، ص ۳۰
۸. انصاری، فرائد الاصول، جلد یک، ص ۱۳ و ۹
۹. القواعد و الفوائد، جلد یک، ص ۱۰۷
۱۰. الفصول الغریبه، محمد حسین اصفهانی، ص ۴۳۱
۱۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت ایت الله العظمی مکارم شیرازی
۱۲. فوائد الاصول، محمد کاظم بن حسین، آخوند خراسانی، ص-۴۲۲ تحریم المعالم، علی مشکینی، ص-۱۴۵ انوار الاصول، ناصر، مکارم شیرازی، جلد ۲۲۵، ص ۲

## بررسی حقوق ورزشی در اسلام

علی محمد محمدی ، امیرحسین ادیسی  
دانشجویان کارشناسی حقوق دانشگاه محقق اردبیلی



حقوق ورزشی یکی از گرایشهای علم حقوق است که به بررسی حوادث در ورزش میپردازد و اثره ورزش در این اصطلاح دارای مفهوم وسیعی است و عملیات و فعالیتهای ورزشی قهرمانی جزئی از این مجموعه است گسترش ورزش با مطرح شدن مسائل جدید همراه بوده است؛ مسائلی که خود موجب رونق حقوق ورزش شده است. نکته مهمی که در حقوق حائز اهمیت بوده و جای تأمل دارد این است که حوادث و مسائل ناشی از ورزش صرفاً از منظر حقوق جزا مورد توجه قرار گرفته، ولی در مورد جایگاه مسئولیت مدنی در ورزش تاکنون اقدام و بررسی خاصی انجام پذیرفته است و صرفاً باید به قانون مسئولیت مدنی و دیگر قوانین موجود استناد نمود هدف پژوهش تبیین مبانی حقوق ورزشی و اهمیت آن در جامعه حقوق از آغاز فعالیت اجتماعی انسان و تاریخ تولد حقوق ورزشی حقوق ورزشی در اسلام بررسی سیر تاریخی تحول و گسترش حقوق ورزشی در ایران در سه دوره قبل از انقلاب مشروطه بعد از انقلاب مشروطه از سال ۱۳۵۲ به بعد و بررسی حقوق ورزشی در کشورهای جهان میباشد. ورزش پدیده های اجتماعی با خصوصیات بین المللی که بخش بزرگی از مردم جامعه به طرق مختلف با آن سرو کار دارند که این فعالیتهای باعث ایجاد روابط حقوقی بین افراد مختلف جامعه میشود که تشدید رقابت ها و ازدیاد قدرت عمومی در ورزشکاران بخصوص در سطح قهرمانی گاهی شاهد حوادث ناشی از عملیات ورزشی می باشیم. بنابراین ورزش نیز مانند همه ی فعالیتهای دیگر اجتماعی باید در چارچوب و نظم خاص قرار گیرد تا مفید فایده واقع شده و با سایر فعالیتهای بشری هماهنگ گردد. در ایران نیز ورزش مورد توجه مقتن

قرار گرفته تا جایی که دربند ۳ از اصل سوم قانون اساسی به تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح اختصاص یافته از طرفی در مورد مسئولیتهای ورزشی نیز بطور خاص در بندر ماده ۱۵۸ ق.م اسلامی و بطور کلی در قانون مسئولیت مدنی آمده است. اسلام نیز به ورزشکار به دیده احترام می نگرد زیرا در این دین الهی هر عملی که انسان را در راه رسیدن به کمال یاری نماید ارزشمند خواهد بود. توجه به امر ورزش هم در میان علمای متقدم و هم متاخر وجود داشته است. ابن سینا تربیت بدنی را به عنوان عنصر اصلی در سلامت فکری و جسمی معرفی کرده است. او در کتاب قانون فصلی را به پرورش بدن و ورزش و اثرات آن اختصاص داده است که امروزه در دنیای غرب تحت عنوان اثرات ورزش بر بدن مورد توجه است رهبر انقلاب در یکی از فرمایشات خویش فرمودند امر به ورزش امر به معروف است. از جمله فقهای متقدم که در باب حقوق ورزشی نظراتی ابراز داشته اند؛ این قدامه در المغنی، شیخ طوسی در مبسوط محقق حلی در شرایع الاسلام علامه حلی در قواعد الاحکام و شیخ محمد حسن نجفی در جواهر الکلام هستند. البته با توجه به محدودیت رشته های ورزشی در گذشته که منحصر به تیراندازی شنا اسب دوانی بوده وجود چنین منابعی در حقوق اسلام ضمن این که قدمت موضوع را مشخص می نماید به اهمیت ورزشی و حوادث آن نیز اشاره دارد.

#### □ حقوق ورزشی

حقوق ورزشی یعنی مجموعه قواعد و قوانین حاکم بر ورزش همچنین بررسی حقوق حوادث در ورزش با نگرش حقوقی به جرائم

جاده های شلوغ خارج از شهر که محل تردد ماشین های سنگین است ببرد، در این وضعیت اگر اتفاقی رخ دهد و دوچرخه سوار با اتومبیلی تصادف کند مربی ممکن است مقصر و مسئول شناخته شود. در مثالی دیگر اگر در صورتی که تجمع بیش از ظرفیت تماشاچیان در ورزشگاه باعث تخریب برخی از ورزشگاه و آسیب دیدگی افراد شود مدیر ورزشگاه مسئول و مقصر خواهد بود واقعیت این است که ورزشکاران و تماشاچیان خطرات و آسیب های ناشی از خطای مسئولین اجرایی ورزشگاهها را نمی پذیرند. امروزه این نظر پذیرفته نیست که هر کس در ورزش شرکت میکند باید خطرات ناشی از آن را بپذیرد البته برخی ورزشها آسیب زا هستند و ورزشکار شرکت کننده باید در حین انجام آن انتظار برخی آسیب ها را داشته باشد اما سوال این است که آیا ورزشکاران و تماشاچیان به ورزشگاه می آیند تا معلول شوند و یا اینکه دچار شکستگی استخوان شده و یا اینکه فوت کنند؟ پاسخ سؤال مشخص است. هیچ کس توقع چنین امری را ندارد و در صورتی که ورزشکار در اثر قصور و کوتاهی یک فرد مسئول آسیب ببیند، مشارالیه باید پاسخگو باشد. شاید یکی از دلایل مهم تسامح مسئولین در رابطه با وظیفه شان نسبت به ورزشکاران و سایرین در محیط ورزش عدم اطلاع و آگاهی از این حقوق ورزشی و مسئولیتهای قانونی باشد. اگر مربیان معلمان و مدیران ورزشی از مسائل حقوق ورزشی و مسئولیتهای قانونی خویش در محیط ورزشی بی اطلاع باشند باعث خواهد شد تا ضمن درک درست و کامل از وظایف خویش بکار بستن تمهیدات مناسب جهت اجرای هرچه بهتر وظایف میزان

یا شبه جرائم که توسط مباشرین عملیات ورزشی یا مسببین آن صورت میپذیرد حقوق ورزشی خوانده میشود اما فرق میان جرائم و شبه جرائم آن است که جرائم دارای کیفرهایی چون حبس جزای نقدی شلاق و حتی اعدام است و شبه جرائم مستلزم جبران خسارت بوده و از وصف مجازاتهای کیفری خالی است.

#### □ اهمیت حقوق ورزشی

بروز حوادث و سوانح در جریان رویدادهای ورزشی امری اجتناب ناپذیر است برخی از این حوادث باعث آسیب دیدگی جدی ورزشکاران یا تماشاچیان یا نقص عضو و حتی در برخی موارد فوت آنان میشود هر حادثه ای علتی دارد و علت مزبور میتواند مبنای ایجاد تقصیر باشد. در بسیاری از موارد علت وقوع حادثه و قصور و کوتاهی مربیان و معلمان و یا مدیران ورزش در انجام وظیفه است که از نظر حقوق ورزشی می تواند مسئولیت زیادی برای آنها ایجاد کند مربیان ورزش تعلیم و تمرین دادن ورزشکاران را بر عهده دارند و به حسب وظیفه با گونه هایی از مسئولیتهای حقوقی در حیطه ورزش روبه رو هستند معلمان تربیت بدنی ضمن کلاسهای تربیت بدنی بایستی جوانان را به ورزش وادارند در صورتی که در این کلاس صدماتی به دانش آموز وارد آید معلم میتواند مسئول قلمداد شود و مدیران ورزش نیز مسئولیت اجرایی ورزشگاهها و اماکن ورزشی را به عهده دارند و در صورت بروز هرگونه مشکل در جریان رویدادهای ورزشی و یا حادثه در اماکن ورزشی میتواند باعث ایجاد مسئولیت برای آنها شود برای مثال در صورتی که تمرین دادن ورزشکار در محیط خطرناک از نظر قانون ممنوع باشد و مربی دوچرخه سوار را برای تمرین به

قصور و کوتاهی ناخواسته نیز کاهش یابد عدم آگاهی نسبت به وظایف و مسئولیتهای قانونی در حیطه ورزش عملکرد مجریان را با سهل انگاری همراه خواهد کرد لیکن آشنایی، مربیان معلمان و مدیران ورزشی با مسئولیتهای قانونی خویش موجب میگردد تا ایشان در حین انجام وظیفه به گونه ای عمل کنند که باعث ایجاد مسئولیتهای حقوقی برای آنان نشود؛ اگر علت وقوع یک حادثه ورزشی منجر به نقص عضو یا فوت، افراد کوتاهی و قصور، مربی معلم یا مدیر در انجام وظیفه تشخیص داده شود، می تواند مشکلات زیادی برای آنان ایجاد؛ لذا آشنایی آنان با مباحث حقوق ورزشی و وظایف و مسئولیتهای قانونی خویش و سایرین در حیطه کاری خود مشکلات زیادی را از این بابت مرتفع خواهد کرد از سوی دیگر بر طرف کردن زمینه های ناآگاهی نسبت به وظایف قانونی و مسئولیتهای حقوقی در ورزش محیط سالمتر و آرامتری را جهت مشارکت ورزشی جوانان فراهم میآورد؛ لذا آشنایی مربیان معلمان و مدیران با مباحث حقوقی ورزشی میتواند باعث ایجاد فضای مناسب جهت اجرای سالم رویدادهای ورزشی شود و از حوادث ناگوار تا حد زیادی پیشگیری کند.

#### □ حقوق ورزشی در اسلام

آیات و روایات متعددی که در اسلام درباره ی ورزش و وجوب آن وجود دارد نمایانگر دیدگاه روشن شریعت در این خصوص است به موازات این منابع فقها درباره ی مسئولیتهای حقوقی ناشی از حوادث ورزشی نظرات پر محتوا و مستحکمی را مطرح نموده اند البته با توجه به محدودیتهای رشته های ورزشی در گذشته که منحصر به تیراندازی شنا و اسب دوانی و بوده به

عنوان مثال در باب مسئولیت معلم شنا نسبت به حفاظت از سلامت شناگری که برای آموزش به او میشود بر حسب بین شناگر نظرات مختلفی ارائه شده و یا در باب مسئولیت حقوقی کسانی که در حال تمرین تیراندازی هستند و تیز به غایر اصابت میکنند فتوای مختلفی داده شده است. وجود چنین منابعی در حقوق اسلام ضمن اینکه قدمت موضوع را مشخص مینماید به اهمیت ورزش و حوادث آن نیز اشاره دارد.

#### □ ورزش در قرآن

قرآن کریم در مورد ورزش و اهمیت آن می فرماید در آیات قرآن موارد فراوانی داریم که بر قوای جسم اشاره شده است به عنوان نمونه می فرماید:

«وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»  
( انفال آیه ۶۰ )

هر مقدار که میتوانید در برابر دشمنان توانایی و قدرت کسب کنید. آیه ای که هم در تقویت نیروی جسمی و هم نیروی نظامی برای برخورد با دشمن استفاده میشود « زاده بسطة فی العلم و الجسم» (بقره آیه ۲۴۷) خداوند حضرت طالوت را از نظر علم و قدرت بدنی وسعت بخشیده است خداوند در آیات فوق نیرومندی و قوای جسمی را کنار علم آورده گویا از نظر قرآن نوعی ارتباط بین کمال جسمی و آمادگی جهت کسب دانش، بینش حکومت و قضاوت وجود دارد و نمونه بارز این آیات اینکه تمام پیامبران و حتی جانشینان آنها مثل حضرت علی (ع) از قدرت بدنی بالایی برخوردار بودند که در جنگها کسی توان مقابله با او را نداشت یا فرزندش حضرت ابوالفضل (ع) که چه رشادتهایی در کربلا انجام داد که تمام امید لشکر حضرت سیدالشهداء(ع) بود که دشمن با وجود او

به میان آمده است از نمونه های آن موارد زیر است و شما ای مؤمنان در مقام مبارزه با آنها خود را مهیا کنید و تا آن حد که میتوانید از آذوقه و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خدا و دشمنان خود فراهم سازید و در حدیثی پیامبر اسلام (ص) می فرمایند «مسابقه به جز در اسب سواری شتر سواری و تیراندازی جایز نمیباشد همچنین می فرماید سوارکاری مایه سرور و شادمانی است»

### ۳. شنا

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: شنا کردن را به فرزندان شما بیاموزید پیامبر (ص) می فرمایند: «بهترین سرگرمی برای مرد با ایمان شنا است» شنا نیز در زمره ی ورزشهایی است که بر یادگیری آن تاکید شده است تا جایکه پیامبر اکرم (ص) آن را جزء حقوق فرزندان نسبت به پدر قرار داده است و فرموده: «حق فرزند بر پدرش آن است که نوشتن شنا کردن تیرانداختن را به او بیاموزد و او را جز با غذای خوب و حلال تغذیه نکند»

### ۴. پیاده روی

عالی ترین ورزش اسلامی پیاده روی میباشد تا جایی که سعی بین صفا و مروه خانه خدا خود نمادین و تمثیلی از پیاده روی به سوی حق میباشد.

### ۵. کشتی

یکی دیگر از ورزشهایی که در روایات در مورد آن سخن رفته ورزش کشتی است. در بحارالانوار، مرحوم مجلسی (ره) داستانی را در مورد کشتی گرفتن امام مجتبی و امام حسین (ع) آورده که بیان می کنیم. امام صادق (ع) فرمود: یکی از شب ها پیامبر اکرم (ص) همراه امام حسن و امام حسین (ع) وارد خانه ی حضرت فاطمه (س) گردید پیامبر

جرات نزدیک شدن به خیمه های حضرت را نداشت قرآن کتاب آسمانی اسلام بزرگ ترین سرمشق و راه گشای زندگی انسانها در همه شئون و امور تا روز قیامت است. در این کتاب بزرگ و بی نقص که کلام خالق انسان و تمام هستی میباشد آیاتی وجود دارد که به گونه ای بر اهمیت ورزش و نیرومند سازی جسم در کنار تقویت روح و بعد عملی دلالت دارد.

## □ ورزشهای مورد استفاده در صدر اسلام

### ۱. تیراندازی

پیامبر (ص) می فرمایند به فرزندان خود تیراندازی یاد بدهید که موجب سرشکستگی دشمن می شود که تیراندازی را میتوان به آموزش نظامی تعبیر کرد ورزش تیراندازی با کمان یکی از ورزش ها در نظر اسلام و متون دینی ماست تا جایی که در قرآن کریم نیز از آن نام برده شده است. «هو ما رمیت إذا رمیت ولكن الله رمی» (ای پیامبر تو تیر نیانداختی بلکه خداوند تیر انداخت) پیامبر اسلام (ص) نیز در مورد این ورزش مهم میفرمایند «حب اللهم إلی الله تعالی إجراء الخیل والرمی» بهترین بازی ها در پیشگاه خداوند تعالی اسب دوانی و تیراندازی است و یا در حدیث دیگری فرموده اند: «همانا زمین بر شما گشوده میشود و دنیا شما را کفایت خواهد کرد پس هیچ یک از شما هنگامی که سرگرم تیراندازی است احساس عجز و سستی نکند»

### ۲. اسب سواری

پیامبر اسلام (ص) می فرمایند: بهترین بازیها ورزشها در نظر خداوند متعال مسابقه اسب سواری و تیراندازی است» ورزش سوارکاری از جمله ورزشهایی است که در متون دینی ما اعم از قرآن و روایات درباره ی آن سخن

شمشیر و وارث شمشیریم. امام صادق (ع) در باره تفسیر فرموده خداوند متعال آن چه قوه و توان دارید برای مقابله با آن ها مهیا سازید. فرمودند: منظور شمشیر و سیر است.

#### □ مسابقات ورزشی و سیره پیامبر (ص)

با نگرش به زندگانی پیامبر (ص) به این نکته میرسیم که ایشان مسابقات را تأیید میفرمودند. امام صادق علیه السلام می فرمایند شخصی اعرابی به مدینه آمد و به پیامبر خدا (ص) پیشنهاد مسابقه ی شترسواری کرد پیامبر (ص) قبول فرمود در این مسابقه شتر پیامبر (ص) از شتر اعرابی عقب ماند پیامبر (ص) به اصحاب فرمود: شما این شتر را بالا بردید و خداوند دوست داشت که او را پایین بیاورد کوهها برای کشتی نوح گردن فرازی کردند و کوه تواضعش بیشتر از همه بود به همین جهت خداوند کشتی نوح را بر کوه جودی فرود آورد ائمه ی ما نیز در این امر از پیامبر اسلام (ص) تبعیت داشته اند در تاریخ آمده است هشام بن عبدالملک از امام باقر علیه السلام خواست تا در مسابقه ی تیراندازی شرکت کند و قصد او تخفیف مقام امامت امام علی (ع) نیز پذیرفتند: امام (ع) کمان را برداشت و هدف را نشانه گرفت و دقیقاً تیر را بر هدف زد سپس تیر دیگری خواست و طوری نشانه روی کرد که دقیقاً تیر دوم بر تیر اول سوار شد و به همین ترتیب تیر سوم را بر تیر دوم و تیر چهارم را بر تیر سوم... در امر مسابقه در فقه ما نیز جواز بعضی ورزشها برای مسابقه اعلام شده است.

#### □ تاریخ حقوق ورزش در ایران

##### ▪ قبل از انقلاب مشروطه

قبل از اعلام مشروطیت در ایران قانون

اکرم (ص) به فرزندان فرمود برخیزید و با یکدیگر کشتی بگیرید، دو کودک برخاستند و به کشتی گرفتن مشغول شدند حضرت فاطمه (س) که برای انجام کاری به خارج از منزل رفته بود، به خانه بازگشت و صحنه ی کشتی فرزندان را مشاهده نمود و شنید که پیامبر (ص) امام حسن (ع) را برای پیروزی در مسابقه تشویق می فرماید پس حضرت زهرا (س) با تعجب گفت آیا برای پیروزی یکی از این دو را تشویق میکنید؟ آن هم تشویق فرزند بزرگتر برای مغلوب کردن فرزند کوچکتر! پیامبر (ص) فرمود: دخترم آیا رضایت نداری به اینکه من فرزندم حسین (ع) را برای پیروزی بر فرزندم حسین (ع) تشویق کنم در حالی که دوستم جبرئیل امین نیز فرزندم حسین (ع) را برای پیروزی بر فرزندم حسن (ع) تشویق نماید»

#### ۶. شمشیر بازی

شمشیر و شمشیر بازی در اسلام جایگاه و منزلت خاصی دارد که بر کسی پوشیده نیست. بدون تردید اگر شمشیرهای نیرومند و خداجوی رزمندگانی همچون امیرالمومنین علی (ع) و حمزه سید الشهداء علیه السلام نبود اسلام به خوبی نمی ماند پیامبر گرامی اسلام جملات زیبایی در وصف شمشیر دارند. ایشان بهشت و همه خوبیها را در سایه شمشیر میبینند و می فرمایند الجنة تحت ظلال السیوف؛ بهشت زیر سایه شمشیرهاست. «الخير كله في السيف و تحت ظل السيف، همه خوبیها در شمشیر و زیر سایه شمشیر است. امام باقر (ع) نیز در پاسخ حکم که میپرسد آیا صاحب شمشیر که در روایات آمده تویی می فرماید: یا حکم.. کلنا صاحب السیف و وارث السیف؛ ای حکم همه ما صاحب

انجام هر گونه مسابقه با هر گونه فعالیت ورزشی عقلاً و عملاً بایستی دارای مقررات و ضوابطی باشد تا بتوان آن را به طور درست از مرحله اجرا به انجام رساند و مسلماً قضات و حکام شرع در کنار فرمانروایان در عدالتخانه در رسیدگی به این موارد و تخلفات احتمالی نقش مهمی داشته اند و بطور عرفی و سنتی به استناد کتب آسمانی و اخلاقی و قوانین موضوعه موجود و ضوابط مورد قبول به حل و فصل این مشکلات اقدام میکردند و به اصطلاح بدون نص صریح با مرجعه به صرف مسلم جامعه و موازین شرعی و استمداد از سایر قوانین موجود به موضوعات و مشکلات ورزشی رسیدگی می شد.

#### ▪ از سال ۱۳۵۲ به بعد

در واقع از آغاز دوره ی قانونگذاری در ایران معاصر یعنی از ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۳ قانون مشخصی که در باب حوادث ورزشی به صراحت تعیین تکلیف کرده باشد وجود نداشت و حقوقدانان در راستای توجیه حوادث ناشی از عملیات ورزشی به مبانی و اصول حقوقی متوسل شده اند. استاد عبدالحسین علی آبادی ضمن طرح بعضی نظرها که رضایت مجنی علیه را علت موجهه حوادث ورزشی میدانند معتقد است. «بهترین توجیه عدم مجازات مشیت زدن و کلیه اشخاصی که در اثنای عملیات ورزشی مرتکب جرح میشوند اجازه قانون است. علی آبادی، ۱۳۳۴. حقوقدانانی که بعد از ایشان در این زمینه اظهار نظر کرده اند نیز با اجازه قانون و آداب و رسوم اجتماعی برای موجه قلمداد کردن حوادث موصوف متصل شده اند و گاه گفته اند که از نظر قانون ایران با توجه به اینکه موردی وجود ندارد که عرف موجب نقض قانون شود

مدونی در تاریخ ورزش کشور ملاحظه نشده است و منابعی در دسترس نیست، لیکن فرمانروایان و سپهسالاران سپاه و لشکر در دوران قبل از مشروطیت توجهی خاص به امر ورزش به ویژه سوارکاری و تیراندازی و شنا و زور آزمایی و کشتی داشته و هر سردار سپاه قبل از آنکه سردار باشد. پهلوان و دلاوری نیرومند و سوارکاری و شمشیرزن و تیراندازی بی مثل و مانند بوده است. و اجرای قوانین ورزشی نیز به صورت سنتی و رسم و رسوم قبیله ای عمل می شده است مانند رزم تن به تن در جنگ ها و کشتی پهلوانی و کشتی چوخه گیله مردی که قوانین و مقررات آن توسط پیشکسوتان ورزش قبایل و ایلات و عشایر بصورت سنتی و عرفی اجرا و اعمال میشده و خود مربیان و پیشکسوتان در مورد خطاها و تخلفات و تشویقات و تنبیهات با تصویب فرمانروایان و سلاطین و خان قبیله و سنن و آداب و رسوم زمان خویش اقدام میکرده اند.

#### ▪ بعد از انقلاب مشروط

بعد از مشروطیت در ایران و تأسیس عدالتخانه بطور خاص قوانینی در مورد ورزش تصویب نشده بود و اگر مطلب با مواردی در مورد قواعد و ضوابط ورزش در عدالتخانه اعمال گردیده به صورت عرفی و سنتی بوده است اخبار و مستندانی در این مورد به جای نمانده است، ولی مسلماً در برگزاری مسابقات تیراندازی با سوارکاری با شمشیرزنی با تمرینات مختلف ورزشی و غیر ورزشی گوناگون مثل دویدن شناکردن عبور از خندق های پر آب عبور از مواقع میادین جنگ بطور حتم قوانین و ضوابط هر نوشته یا نانوشته ای دارا بوده است که فرمانروایان با سرداران خود یا به کمک قضات با حاکم شرع اعمال میکردند، زیرا

نمی توان استدلالات فوق را پذیرفت و به نظر میرسد که در صورت شکایت شاکی درباره جرج و به هر حال در صورت وقوع قبل قضیه قابل تعقیب باشد. اما در سال ۱۳۵۲ گفتن به این اختلافات نظر پایان داد و به صراحت و به موجب ماده ۲۲ قانون مجازات عمومی مقرر داشت که حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد، جرم محسوب نمی شود». در سال ۱۳۶۱ قوه مقننه همین متن را با اضافه کردن جمله ی او این مقررات هم با موازین شرعی مخالفتی نداشته باشد در ماده ۲۲ قانون راجع به مجازات اسلامی مورد تایید قرارداد در سال ۱۳۷۰ نیز به رغم تغییراتی که در قانون مجازات اسلامی داده شد. ماده ۲۳ اخیرالذکر فقط با تغییر شماره ی ماده به ۵۹ عینا به تصویب رسید و در حال حاضر درباره حوادث ناشی از عملیات ورزشی که جنبه جزایی داشته باشد مورد استناد است اما در ارتباط با مسئولیت مدنی حوادث ورزشی تا کنون قانون خاصی که به صراحت به ورزش اشاره داشته باشد، تصویب وضع است و جبران خسارت ورزشی با استناد به قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ قانون مدنی و سایر قوانین، اصول فتاوی عرف و عادت حل و فصل میشود که شرح تفصیلی آن در مباحث آنی خواهد شد. حقوق ورزشی به عنوان یک درس از سال ۱۳۵۵ در دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی برای نخستین بار توسط دکتر حسین آقایی نیا تدریس شده سپس همچنان در سایر دانشکده های تربیت بدنی جزو واحدهای درسی کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس شده است. خوشبختانه حقوق ورزشی در دانشکده

های حقوقی دانشگاههای ایران به ویژه کارشناسی ارشد و دکتری چه به عنوان پایان نامه های تحصیلی و با پژوهش مورد توجه اساتید و دانشجویان بوده و به تدریج منابع بسیار مهمی به همین ترتیب فراهم آورده است با استقبالی که از این گرایش تا کنون به عمل آمده انتظار می رود که در آینده از نظر کمی و کیفی یکی از مهمترین گرایشهای حقوقی در ورزش و یا ورزش در حقوق به حساب می آید.

#### □ قوانین پیرامونی حقوق ورزشی

به طور کلی اگر بخواهیم قوانین موجود در ورزش را تقسیم بندی کنیم باید آن را به سه دسته ذیل تقسیم کنیم:

##### ۱. قوانین بازدارنده

قانون منع تبعیض بند ۹ از اصل سوم قانون اساسی)

قانون امنیت اصل بیست و دوم قانون اساسی  
بند ۱۵۸ ماده قانون مجازات اسلامی  
مصوب ۱۳۹۲

قانون الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین المللی علیه آپارتاید در ورزش

منع شرط بندی (م. ۶۵۴ قانون مدنی).  
منع استفاده از مواد نیروزا (بند ۳۱ از ماده سوم اساسنامه کمیته ملی المپیک)

##### ۲. قوانین حمایتی

تربیت بدنی رایگان بند ۳ اصل سوم قانون اساسی و بند ۱۵۸ ماده قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

برابری در پیشگاه قانون اصل ۲۰ قانون اساسی)

قانون تامین اعتبار احداث توسعه ورزشی  
مصوب سال ۷۶

##### ۳. قانون سازمان تربیت بدنی

مقررات و دستور العملهای حمایتی آموزش

مقررات و دستورالعملهای حمایتی وزارت علوم

آئین نامه اجرائی ماده ۱۱ قانون تاسیس سازمان تربیت بدنی

#### ۴. قوانین تنبیهی

آئین نامه انضباطی سازمان تربیت بدنی مصوب سال ۷۴

آئین نامه های خاص فدراسیونهای ورزشی آماتوری ایران

آئین نامه کمیته انضباطی مسابقات ورزش دانشگاهها و آموزش عالی کشور

نکته مهمی که در حقوق حائز اهمیت بوده و جای تأمل دارد این است که حوادث و مسائل ناشی از ورزش صرفاً از منظر حقوق جزا مورد توجه قرار گرفته ولی در مورد جایگاه مسئولیت مدنی در ورزش تاکنون اقدام و بررسی خاصی انجام پذیرفته است و صرفاً باید به قانون مسئولیت مدنی و دیگر قوانین موجود استناد نمود. علاوه بر اشخاص حقیقی که در فعالیتهای و مسابقاتهای ورزشی فعالیت می نمایند. اشخاص حقوقی بسیاری نیز در این عرصه فعالیتهای مهم و تاثیرگذاری دارند اشخاص حقوقی به طور مستقیم و غیرمستقیم در فعالیتهای ورزشی دخالت دارند که دارای وظایفی هستند و ممکن است به همین جهت مسئولیت هایی برای آنها به وجود آید که یکی از بارزترین این اشخاص مربیان

باشگاه های ورزشی هستند.

هر مجموعه ای برای اینکه بتواند بهترین نتیجه را بگیرد بایستی تحت نظر و اداره یک مربی مجرب قرار بگیرد باشگاه های ورزشی نیز یکی از این مجموعه ها محسوب میگردد. هر باشگاه ورزشی دارای یک می باشد. می باشد که اداره کلیه عوامل زیر مجموعه آن به عهده وی است و در این راه امکان دارد برای او و حتی سایر مربیان ورزشی مسئولیت هایی به وجود بیاید. مربیان باشگاه های ورزشی دارای تکالیف گوناگونی هستند که البته بیشتر آنها جنبه نظارتی دارد و باید بر کلیه عوامل زیر مجموعه خود اشراف کامل داشته باشند وظایف کلی مربیان باشگاه ورزشی عبارتند از برنامه ریزی، سازمان دهی، هدایت رهبری و ارزشیابی که البته وظایف هر مربی در سطح کلان میباشد اگر مربی مرتکب تقصیر یا بی احتیاطی گردد که منجر به بروز حادثه یا خسارتی شود مسئول جبران آن خسارت خواهد بود.

البته ذکر این نکته ضروری به نظر میرسد که اثبات مسئولیت و تقصیر در امر ورزش کار بسیار دشواری است ولی اگر ارکان مسئولیت مدنی جمع باشد. تحقق مسئولیت برای این مربیان ورزشی امر غیر منتظره ای نخواهد بود. امید است در سال های آتی بحث حقوق ورزشی بسیار پررنگ تر و ریزتر مورد تحقیق و بحث قرار گیرد.

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. متقی، علی بن حسام‌الدین، (۱۴۱۹ه.ق)، کنز العمال، بیروت: دار الکتب العلمیه
۴. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۸ق)، میزان الحکمه، قم: دار الحدیث
۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ ق). بحار الانوار، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیات، قم: مرکز بین‌المللی نشر اسراء
۷. آقای نی، حسین، (۱۳۹۱)، حقوق ورزشی، تهران: نشریه میزان
۸. نظر سنجی از مدیران استادیوم‌ها در زمینه ی مدیریت خطرهای احتمالی استادیوم‌های فوتبال ایران نشریه مدیریت ورزشی، ۶ ۶۷-۸۳
۹. ویشه، عباس، (۱۳۸۳)، مبانی حقوقی بیمه مسئولیت مدنی مدیران ورزشی، فصلنامه صنعت بیمه
10. Adams, (1985) "Implications of the ed., Spoted and law: contemporary Scattle Decision, in H
11. Appenzeller.ed. Sports and law: contemporary issues 17,18,19
12. Alleyne, S. (2003). Star attomey, black enterprise, vol 34, issue 4, p 60.
13. Champion, JR., Walter, T. (1983). Nonprofessional Sport - Related injuries and Assumption of risk in Pennsylvania. 54 pa. B.Assn. 44 ,43 .4
14. Department of sport and recreation (government of Western Australia). (2013). Can you risk it? An introduction to risk management for community organizations (includes community risk base users guide.
15. Harwell, R. (2003). "A study of effective risk management practices in higher education", Doctoral dissertation, Baylor University, Waco, Texas, Copyright by pro Quest Information and Learning Company.

## عوامل موثر در بزهکاری اطفال و نوجوانان و نقش پیشگیری کنشی در جلوگیری از آن

علی محمد محمدی ، محمد طالبی  
دانشجویان کارشناسی حقوق دانشگاه محقق اردبیلی



بزهکاری اطفال و نوجوانان یکی از مسائل و مشکلات بغرنج جوامع امروزی و یک واقعیتی انکارناپذیر در جهان است که علل و عوامل متعددی در بروز آن موثر است که نیازمند نگرش ویژه در همه حوزه های اجتماعی، اقتصادی، محیطی، خانوادگی، فرهنگی، زیستی و ... است. تا منجر به بازگشت این اطفال و نوجوانان معارض با قانون به چرخه ی طبیعی و عادی زندگی اجتماعی شان شود. سوال این پژوهش شناخت علل و عوامل موثر در بزهکاری اطفال و نوجوانان و دستیابی به راهکارهای علمی و عملی برای پیشگیری از بزهکاری در اطفال و نوجوانان و یا حداقل تقلیل آن است. این تحقیق از نوع کاربردی و به روش توصیفی - تحلیلی است که اطلاعات لازم با بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای و از طریق فیش برداری و رجوع به کتب و مقالات فقهی - حقوقی و قوانین مختلف جزایی تبیین شده است. یافته ها بیانگر این است که علل و عوامل متعددی در بروز بزهکاری در اطفال و نوجوانان موثر است و تنها نمی توان علت خاص و واحدی را برای آن در نظر گرفت ولی از میان این علل و عوامل گوناگون تاثیر عوامل خانوادگی و محیطی بسیار بیشتر و موثر تر از سایر عوامل است و همچنین موثر ترین راهکار در جهت پیشگیری از بزهکاری در اطفال و نوجوانان پیشگیری کنشی ( غیر کیفری ) از نوع اجتماعی و رشد مدار با محوریت خانواده و مدرسه است که از طریق سیاست های کلی درازمدت و مداخله در دوره های مختلف رشد اطفال و نوجوانان بزهکار یا در معرض بزهکاری از مزمن شدن یا تکرار شدن بزهکاری آنها در دوران بزرگسالی جلوگیری می کند.

تمام انسان ها از هر قوم و قبیله، نژاد

و مذهب، دین و عقیده اتفاق نظر دارند که یکی از محوری ترین اعمال فردی و اجتماعی، تربیت و هدایت درست کودکان برای آینده می باشد. اقدامی که شرط ضروری و انکارناپذیر رشد و ترقی جامعه ی انسانی تلقی می شود. کودکان و نوجوانان سرمایه های اصلی یک جامعه می باشند که سلامت روح و جسم آن ها تضمین کننده سلامت جامعه در آینده است. به این جهت است که یکی از مسائل پیچیده و ناراحت کننده ی جهان امروز که توجه بسیاری از محقق ها، جامعه شناسان، جرم شناسان، روان شناسان و متخصصان امر را به خود معطوف داشته موضوع متهمان کم سن و سال و یا به اصطلاح « اطفال و نوجوانان بزهکار » است که روز به روز گسترش بیشتری می یابد. بنابراین مسائل اطفال و نوجوانان از جمله مسائلی است که باید به آن توجه ویژه ای مبذول داشت. بررسی ریشه ای مسائل اطفال و نوجوانان من جمله بزهکاری اطفال و نوجوانان برای رسیدن به یک جامعه ی ایده آل شرطی ضروری است در واقع بسیاری از افرادی که امروزه مرتکب جرائم گوناگون می شوند، همان کودکان بزهکار دیروز هستند. تلاش برای پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در معرض خطر، مبانی حق محور دارد. شناسایی عوامل موثر بر گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری و همچنین شناسایی عوامل حمایت کننده از اطفال و نوجوانان در مقابل این عوامل گرایش به بزهکاری دو رکن اصلی پیشگیری رشد مدار را تشکیل می دهند. پدیده ی بزهکاری اطفال و نوجوانان باعث تباهی بسیاری از فرزندان و آینده سازان جامعه می شود و هزینه های کلانی را بر جامعه و خانواده تحمیل می کند و جامعه را

است، لذا افرادی که ذاتاً بد سیرت هستند بزهکار و منحرف باقی می مانند زیرا طبیعت و دست تقدیر آنها را چنین آفریده است و کاری هم از دست بندگان ساخته نیست. بنابراین تاریخچه اطفال بزهکار در جوامع اولیه با سرگذشت غم انگیزی همراه است. در جوامع اولیه کسانی که ( اعم از طفل یا بزرگسال) برخالف مقررات اجتماعی خود رفتار می کردند، یک فرد خبیث و غیرقابل ترحم محسوب می شدند و مردم برای در امان ماندن از غضب الهی و نابودی، متهم را به شدیدترین وجه مجازات می کردند و عفو جزء معایب به شمار می رفت و در صورت وقوع جرم از طرف کسی، اقوام و کسان وی نیز در امان نبودند و بسا اطفال را به انتقام این که پدرشان مرتکب قتل یا جرمی شده بود مجازات می کردند و این گونه عدالت اجرا می شد! در اثر تحولات اجتماعی و نفوذ احکام مذهبی، برای مجازات ها یک حدی ایجاد شد و قصاص جای انتقام را گرفت و اصل شخصی بودن مجازات به تدریج پذیرفته شد. قانون قصاص در قوانین حمورابی، رومی ها، یونانی ها، یهودیان، مصر و قوانین اسلامی وجود داشت مثلاً در قانون ۲۸۲ ماده ای حمورابی ۱۷۳۰ قبل از میلاد قصاص پذیرفته شده و بیان می دارد: جان در برابر جان، چشم در مقابل چشم. در این مورد نیز اطفال از مجازات در امان نبودند و در صورتی که طفلی مرتکب جرم می شد مورد مجازات قرار می گرفت، این تفکرات سنتی با آغاز مطالعات علمی و بررسی های گوناگون در زمینه ی بزهکاری از بین رفت و تبیین های متعددی از جانب بسیاری از صاحب نظران در مورد بزهکاری ارائه گردید. با پیشرفت تمدن سن اطفال

از داشتن نیروی انسانی کار آمد و متخصص و خانواده را از داشتن فرزندانی موفق و سالم محروم می سازد و همچنین امنیت جامعه را نیز به خطر انداخته و حتی ممکن است مشروعیت نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور را زیر سوال برد. بنابراین بزهکاری اطفال و نوجوانان یکی از مسائل مهم اجتماعی است که نیازمند شناخت علل و عوامل موثر بر آن و همچنین شناخت راه کار های پیشگیری یا حداقل تقلیل آن است. از حیث پیشینه؛ کتب، رساله ها، پایان نامه ها، و مقالات متعددی در این زمینه نگاشته شده من جمله: دکتر علی نجفی توانا در کتاب نا بهنجار و بزهکاری اطفال و نوجوانان به بررسی این موضوع پرداخته، دکتر نجفی ابرند آبادی در مقاله ی پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی ( ۱۳۸۷) و همچنین در مقاله ی روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری ( ۱۳۷۶) به پیشگیری از بزهکاری از طریق پلیس محلی و پیشگیری وضعی پرداخته اند، مهدی صادقی فر در مقاله ای با عنوان عوامل اجتماعی موثر بر گرایش نوجوانان و جوانان به بزهکاری و راهکار های پیشگیری از آن ( ۱۳۸۹) به بررسی این موضوع پرداخته است.

#### □ پیشینه بزهکاری اطفال

در دوره ی قدیم و قبل از رواج یافتن تفکر علمی، ناهنجاری امری ذاتی و سرشتی تلقی می شد و متفکران قدیم معتقد بودند افراد همانطور که خصوصیات جسمانی مثل رنگ مو، چشم، قد و غیره را از والدین خود به ارث می برند به همان ترتیب رفتار های خود را نیز از والدین به ارث می برند به نظر آنها افراد یا ذاتاً نیکو سیرت هستند و یا بد سیرت و این سرشت و ذات هم امری طبیعی است و از هنگام تولد شکل گرفته

و میزان مسئولیت آنان در ارتکاب جرایم مورد توجه قرار گرفت و در قوانین کیفری مجازات اطفال بزهکار خفیف تر از مجازات بزرگسالان پیش بینی شد و حتی در مواردی اطفال بزهکار معاف از مسئولیت کیفری شدند. جرم شناسی از یونان آغاز شد، اگر چه پیدایش آن به غار ها و مقبره های مصر نیز بر می گردد که جملات موجود در آن ها حکایت از نافرمانی نوجوانان در آن زمان داشته است، اما چهره ی علمی و مدون آن بین سال های ۱۸۶۵ - ۱۸۴۰ در سایه ی روان پزشکی به وجود آمد. به نظر می رسد اصطلاح « جرائم کودکان » یا بزهکاری نوجوانان در سال ۱۸۱۵ برای اولین بار در انگلیس به کار رفته است. زیرا درست یک سال قبل از آن تاریخ، پنج کودک ۸ الی ۱۲ ساله توسط محکمه ای در لندن محکوم به مرگ شده. در قرن ۱۳ میلادی « سنت لویی » پادشاه فرانسه فرمان صادر کرد که اطفال تا ۱۰ سال غیر مسئولند، و مجازات افراد بزهکار تا ۱۴ را پرداخت تاوان و تنبیه بدنی و شلاق تعیین نمود. همچنین تاکید کرد که اطفال و جوانان در زندان ها از بزرگسالان تفکیک و جدا نگهداری شوند. در روسیه طبق قانون ۱۷۴۲ میلادی افراد تا ۱۷ سال از شکنجه بدنی و مجازات مرگ معاف شدند و طبق فرمان کاترین دوم افراد تا ۱۰ سال غیر مسئول و در صورت ارتکاب جرم برای تنبیه به والدین و یا اربابشان سپرده می شدند و مجازات کار با اعمال شاقه در مورد اطفال بزهکار ۱۰ تا ۱۴ سال اجرا نمی شد و به طور کلی مجازات اطفال بزهکار تا ۱۷ سال خفیف تر از مجازات بزرگسالان بود. با ظهور مذهب مسیح، عقاید اخلاقی فلاسفه آمیخته با افکار مذهبی گردید و

رحم و نیکوکاری که یکی از اصول مذهب مسیح است سبب شد که روحانیون به فکر اصلاح و تربیت بزهکاران بوده و در هدایت و حمایت اطفال بی پناه کوشا باشند. تحت تاثیر عقاید آنان در سال ۸۱۳ میلادی از طرف مجمع عمومی روحانیون مسیحی پیشنهاد شد که به زندانیان مخصوصا اطفال کاردستی آموخته شود و با نصایح سودمند آنان را به راه راست هدایت کنند. در اجرای روش های اصلاحی و تربیتی در سال ۱۶۰۲ در شهر آمستردام اولین زندان تربیتی جهت اطفال بزهکار افتتاح شد. و در سال ۱۶۶۷ در شهر فلورانس ایتالیا اولین زندان به سیستم انفرادی جهت نگهداری اطفال تاسیس گردید. در سال ۱۷۰۳ میلادی در رم زندان تربیتی مخصوص جوانان به نام سنت میشل افتتاح شد و جوانان این زندان روز ها به صورت دسته جمعی کار می کردند و شب ها در سلول به سر می بردند. در سال ۱۸۱۵ میلادی اصطلاح بزهکاری اطفال برای اولین بار در قوانین انگلستان عنوان شد و بعد ها به عناوین مختلف از قبیل اطفال بزهکار یا بزهکاری جوانان و غیره در تمام دنیا متداول گردید. پس از جنگ دوم جهانی دولت ها با وجود گرفتاری های سیاسی در صدد چاره جویی و پیشگیری از افزایش جرایم ارتكابی اطفال بر آمدند. در فرانسه قوانین مربوط به اطفال مورد بررسی و تجدید نظر قرار گرفت.

به طور کلی پیشینه مطالعات بزهکاری اطفال و نوجوانان در سه عرصه ی عمده صورت گرفته است که عبارت است از: ۱. دیدگاه های زیست شناختی که به شدت تاکید بر تأثیر عوامل ارثی و زیستی بر بزهکاری اطفال و نوجوانان

دارد.

۲. دیدگاه روان شناختی که تاکید بر تأثیر عوامل روانی و اختلالات روانی در بروز بزهکاری در اطفال و نوجوانان دارد.

۳. دیدگاه های جامعه شناختی که به بیان تأثیر عوامل محیطی و نقش جامعه در بروز بزهکاری می پردازد.

در فقه اسلامی نیز ارفاق ها و مزیت های زیادی هم در حوزه مسئولیت کیفری و هم در حوزه مسئولیت مدنی برای اطفال و نوجوانان در نظر گرفته شده است، شهید اول در لمعه اشخاص صغیر را همانند اشخاص مجنون فاقد قصد و اراده دانسته و می گوید که صغار مسئولیت کیفری ندارند و فقط تأدیب می شوند. در حال حاضر در قوانین ایران دوره فقدان مسئولیت کیفری از زمان تولد طفل آغاز می شود و با فرا رسیدن نه سالگی ( دختران ) و پانزده سالگی ( پسران ) پایان می یابد. در این دوره چنین پنداشته می شود که کودک توانایی درک ماهیت افعال خویش و پیامد های سوء آن را ندارد و از شمول مقررات کیفری حکما خارج است. ولی در صورت ارتکاب جرم، ممکن است تدابیر تأمینی و تربیتی درباره او اعمال شود. در ایران قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ نخستین قانونی است که افزون بر پیش بینی دادگاه اطفال در مرکز هر شهرستان و کانون های اصلاح و تربیت، ساز و کار دادرسی اطفال را به طور افتراقی مدون نموده است.

#### □ مراجع رسیدگی کننده به جرائم اطفال و نوجوانان

یکی از موضوعات مهم مورد مطالعه در حقوق کیفری اطفال، مساله آیین دادرسی و صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به جرائم اطفال است. طبع و روحیه خاص اطفال و

نوجوانان ایجاب می کند که در صورت ارتکاب جرم توسط آنها، علل بزهکاری و شخصیت آنها به خوبی شناخته شود تا روش ها و واکنش های مناسب برای اصلاح آنها و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم اتخاذ گردد. برخورد خشن با این دسته از بزهکاران و عدم توجه به تفاوت انگیزه ها و شخصیت آنان با بزرگسالان ممکن است تأثیر نامطلوبی بر روند اصلاح و باز اجتماعی شدن آنان گذاشته، روحیه انتقام جویی از جامعه را در نهاد آنها بدمد. در مقابل، نشان دادن رفتاری سنجیده و معقول همراه با بردباری و مدارا در برابر آنان می تواند از رنگ سرکوب در واکنش جامعه کاسته، نقش آن را در اصلاح و هدایت اطفال و نوجوانان را فزونی بخشد و از تبدیل این بزهکاران اتفاقی به بزهکاران حرفه ای جلوگیری نماید. در سطح بین المللی، کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک به عنوان یک سند الزام آور برای اعضا، در بند سوم ماده ۴۰ خود مقرر می دارد: « دول عضو در جهت افزایش وضع قانون، اتخاذ شیوه های رسیدگی و همچنین ایجاد مراجع و نهاد هایی خاص برای اطفال مظنون یا متهم به ارتکاب جرم و یا محکوم تالش خواهند نمود. » بنابراین، ایران به عنوان یک دولت عضو این کنوانسیون که متعهد به اجرای مفاد آن در حقوق داخلی خود است باید کوشش خود را در جهت وضع قوانینی برای تشکیل مراجع قضایی ویژه رسیدگی به جرائم اطفال به کار بندد.

#### □ دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان

در سطح داخلی دادگاه اطفال و نوجوانان در کنار سایر دادگاه ها ولی مستقل از آنها پیش بینی شده است. با توجه به ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری که

در راستای انجام وظایف خود به منظور برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی تلاش کند و زمینه را برای فقر زدایی و اشتغال زایی و تورم زدایی فراهم آورد، به پیشگیری اجتماعی از بسیاری از جرائم کمک خواهد کرد.

## ۲. نقش عوامل اجتماعی

جامعه ای که از یک ثبات و پایداری اجتماعی برخوردار نیست و دائما دچار هرج و مرج و بی نظمی از قبیل جنگ، شورش، اختلافات طبقاتی، وضع بد سکونت، بیکاری، آلودگی هوا، مهاجرت، کمبود امکانات تربیتی، عملکرد معیوب و نامناسب دستگاه های قضایی و... است قطعاً شرایط و بستر مساعدی را برای ارتکاب بزه فراهم می کند و بالعکس جامعه ای که از یک ثبات و نظم اجتماعی واقعی برخوردار است می تواند به مرور زمان ریشه های بزهکاری و عوامل آن را از بین ببرد. عوامل اجتماعی موثر در بروز بزهکاری اطفال و نوجوانان را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. نقش جنگ در مسئله بزهکاری؛ جنگ منجر به ویرانی کارخانه های تولید شده و

اقتصادی و تولیدی کشور را متوقف می کند، جنگ همچنین باعث ویرانی شهرها و کانون خانواده ها می شود. در پی وقوع جنگ تورم، بیکاری، کمبود مواد غذایی، بی پناهی و بیماری های جسمی و روانی ایجاد می شود. با از دست رفتن

رسیدگی به کلیه جرائم افراد کمتر از ۱۸ سال شمسی را در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان قرار داده بنابراین صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان نسبت به سایر دادگاه های کیفری صلاحیت ذاتی است و اصولاً سایر مراجع کیفری صلاحیت رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان را ندارند.

## □ امتیازات دادرسی اطفال و نوجوانان

اطفال و نوجوانان بزهکار یا به تعبیری معارض با قانون افزون بر این که در حقوق کیفری ماهوی از امتیازاتی مانند عدم مسئولیت کیفری یا تخفیف مسئولیت به اعتبار شرایط سنی زمان ارتکاب جرم برخوردار هستند، در حقوق شکلی نیز ارفاق ها و امتیاز هایی دارند که دلیل بر افتراقی بودن فرآیند رسیدگی به اتهام آن ها است، مهمترین این مزایا عبارتند از: تشکیل پرونده ی شخصیت، اخذ تأمین متفاوت، تعیین وکیل تسخیری، حضوری بودن رای، الزامی بودن حضور مشاور و ایجاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان که مورد اخیر با وجود پیش بینی شدن در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری تا کنون اجرا نشده.

## □ علل بزهکاری اطفال و نوجوانان

### ۱. نقش عوامل اقتصادی

بدون تردید یکی از عوامل مهم بزهکاری در جوامع انسانی به محیط اقتصادی مربوط است. چنانچه در یک جامعه ای به لحاظ اقتصادی، بی عدالتی و نابرابری و فاصله های طبقاتی حاکم باشد و گروه های اقلیتی که حکومت را در اختیار دارند، امکانات و فرصت های مادی و اقتصادی جامعه را در اختیار بگیرند، در چنین اجتماعی وقوع جرائم و انحرافات اجتماعی امری طبیعی و حتی از نظر مرتکبان آن امری قابل توجیه و مشروع خواهد بود. اما چنانچه دولت



حیثیت نیست، دیگر اینکه این سیستم با مکانیسم برچسب زنی باعث تغییر هویت و خودانگاره های بزهکاران می شود.

۴. مدرسه و دوستان بزهکار؛ محیط آموزشی در تکوین شخصیت کودکان اهمیت فراوانی دارد، اگر محیط آموزشی و شخص معلم وظایف خود را درست ایفا کنند نتنها زمینه جهت گیری مثبت در طفل فراهم می شود بلکه آثار منفی محیط خانوادگی و دوستان نیز خنثی و بال اثر می گردد. آمارها نشان می دهد که درصد بالایی از جوانان بزهکار سابقه ترک تحصیل داشته اند. محیط آموزشی به مثابه یک واحد کنترل اجتماعی است که می تواند با تکیه بر اصل تشویق و تنبیه به کودکان پیاموزد تا با استفاده از استعداد های خود در یک رقابت سالم و سازنده، وظایف آموزشی را به نحو احسن انجام دهند تا ضمن پیمودن مدارج ترقی، امتیازات اجتماعی و خانوادگی تحصیل کنند فرایند چنین امری، نظم پذیری و اجتماعی شدن تدریجی و در نهایت تکامل و تکوین شخصیت فردی و اجتماعی طفل خواهد بود.

### ۳. نقش عوامل خانوادگی

خانواده به عنوان کوچک ترین واحد اجتماعی ولی هسته ی اصلی جامعه نخستین نظام نهادی است که برای رفع نیازمندی های حیاتی انسان و نیز بقای جامعه ضرورت تمام دارد. اندیشمندان با پژوهش های اجتماعی، وضع نابسامان محیط خانوادگی را در بروز جرائم در اطفال و نوجوانان تایید کرده اند و اذعان داشته اند که وضع خانوادگی شخص رابطه مستقیم با بروز حالت خطرناک و بزهکاری در وی دارد. بنابراین نباید سیاست جنایی خاص بزهکاران صغیر و نوجوانان را از سیاست های حمایتی از خانواده جدا

پدران و مادران در جنگ بی پناهی اطفال و نوجوانان آغاز می شود و آنان را در گرداب فقر و بدبختی می اندازد و زمینه را برای بزهکاری آنان پدید می آورد.

۲. تاثیر مهاجرت در بروز بزهکاری در اطفال و نوجوانان؛ نسبت وقوع جرائم توسط اطفال و نوجوانان در شهر های کوچک تر که اغلب افراد همدیگر را می شناسند کمتر از میزان وقوع جرائم در کلان شهر هایی است که اکثر افراد هیچ شناخت و آشنایی با همدیگر ندارند، در واقع در شهر های کوچک تر که اغلب افراد همدیگر را می شناسند، افراد یک نوع رودربایستی نسبت به همدیگر دارند و خجالت می کشند که مرتکب جرم شوند.

۳. نقش عملکرد دستگاه های قضایی؛ یکی دیگر از عوامل اجتماعی مهم بزهکاری به سیستم قانون گذاری و نظام عدالت کیفری مربوط است، همانگونه که جرم شناسان واکنش اجتماعی معتقدند ( حداقل در مواردی) خود این نظام عدالت کیفری است که تولید جرم و بزهکاری و بویژه بزهکاری ثانوی یا تکرار جرم می نماید، به عبارت دیگر این واکنش اجتماعی است که بزهکاری می آفریند.

سیستم قضایی از دیدگاه جرم شناسان واکنش اجتماعی به دو دلیل می تواند تولید جرم کند: یکی این که برون داد این سیستم برای بزهکاران چیزی جز رسوایی، برنامی و سلب



دانست. حمایت درست و کارشناسانه از نهاد مقدس خانواده سبب کاهش جرائم اطفال و نوجوانان خواهد شد. عدم وجود محبت، ارتباط صمیمی، تفاهم متقابل و در عین حال وجود تنش، از هم گسیختگی، طلاق، اعتیاد، سابقه محکومیت کیفری در خانواده، فوت والدین و سایر عوامل خانوادگی در وقوع بزه توسط اطفال و نوجوانان موثر است.

#### ۴. نقش عوامل ژنتیکی ( ارثی )

در تعریف عوامل ارثی گفته اند شرایطی است که باعث می شود حالات جسمانی و نفسانی از پدر و مادر به فرزند منتقل شود. در چهارچوب عوامل ارثی بزهکاران افرادی هستند که از لحاظ مشخصات بدنی صورتشان نسبت به جمجمه برجسته و بیرون آمده است، فرم جمجمه شان معمولا نوک تیز است، طاق ابرو شان برجسته و سقف دهانشان خیلی گود و عمیق و گوش هایشان بزرگ است و نشانه هایی از این قبیل این نظریه مورد انتقادات زیادی واقع شد. سزاره لمبروزو پزشک ایتالیایی پایه گذار مکتب تحقیقی سر دمدار این نظریه است وی که استاد پزشکی قانونی در شهر تورن ایتالیا بود و ارتباط مستقیمی با افراد بزهکار داشت، کوشید با مطالعه خصوصیات جسمانی بزهکاران به عوامل بزهکاری پی ببرد و چون تمام عمر خود را با همین مطالعات تک بعدی سپری کرد، معتقد شد که ویژگی های جسمانی اصلی ترین عاملی هستند که افراد را به سوی ارتکاب جرم سوق می دهند. او در این اعتقاد خود تا آنجا پیش رفت که پاره ای از انسان ها را با توجه به آثار و علائم ظاهری جسمانی و نوع و شکل قیافه و ساختمان بدن « جانی بالفطره » یا « مجرم مادرزاد » معرفی کرد. لمبروزو معتقد به تئوری تیپ جنایی بود،

به این معنا که بزهکاران تحت تاثیر یک سلسله نابسامانی های زیستی و فیزیولوژی که از آبا و اجداد خود به ارث می برند مرتکب جرم می شوند و معتقد بود که مجرم معلول آفرینش است. به طور کلی در عصر حاضر نقش عوامل زیستی و ارثی در بزهکاری رنگ و بوی خود را نسبت به گذشته از دست داده است ولی هنوز هیچکس نتوانسته آن را به طور کلی رد نماید.

#### □ راهکار های پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان

پیشگیری از لحاظ لغوی به معنای مانع ایجاد کردن، جلوگیری کردن از رخداد های بد و ناخواسته آمده است. در فرهنگ عمید پیشگیری این گونه تعریف شده است: « هر نوع اقدامی که طبیب یا مامور بهداری برای جلوگیری از بروز مرض انجام بدهد. » شرمین عقیده دارد هر رویدادی که اعمال شود و نتیجه ی آن نشان بدهد که نرخ بزهکاری کاسته شده آن رویداد را می توان پیشگیرانه دانست. به عبارت دیگر پیشگیری در جرم شناسی پیشگیرانه عبارت است از به جلو تبهکاری رفتن با استفاده از تکنیک های گوناگون مداخله به منظور ممانعت از وقوع جرم. پیشگیری از جرم از لحاظ اصطلاحی اقداماتی است که مانع وقوع جرم شود یا حداقل میزان وقوع جرم را تقلیل دهد. پیشگیری در یک تقسیم بندی کلی به دو دسته، پیشگیری کیفری و پیشگیری غیر کیفری تقسیم می شود.

#### □ مفهوم پیشگیری کیفری ( واکنشی )

این نوع از پیشگیری جنبه ی خشونت آمیز و قهری دارد به این معنا که جرم انگاری و اجرای مجازات در مورد مجرمین باعث ترس و رعب انگیزی و عبرت آموزی سایر

کند و تأثیری بر ذهن مجرمانه ی فرد ندارد و در واقع باعث می شود که تنها سیل و هدف جرم تغییر یابد به عنوان مثال وقتی سارق دید که به علت وجود دوربین مدار بسته نمی تواند از یک منزل سرقت کند می رود سراغ منزل دیگری که فاقد دوربین مدار بسته است.

## ۲-۲. پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی شامل آن دسته از تدابیر و اقداماتی است که با مداخله در فرآیند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی آنها و سالم سازی محیط اجتماعی و محیط طبیعی به دنبال حذف یا کاهش علل جرم را و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری است. این پیشگیری با ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی است. پیشگیری مزبور، در صدد آن است که اعضای جامعه را از طریق آموزش، تربیت، تشویق و تنبیه با قواعد اجتماعی آشنا و همنوا کند. به دیگر سخن، این پیشگیری کاهش یا از بین بردن علل فردی یا اجتماعی اثر گذار بر بزهکاری را دنبال می کند. پیشگیری اجتماعی، یک « پیشگیری کنشی فرد مدار » است بدین صورت که با بهره گیری از تدابیر و اقدامات پیشینی در صدد شخصیت سازی و اثر گذاری بر فرآیند شکل گیری شخصیت افراد است.

## ۲-۳. پیشگیری رشد مدار

این رهیافت برای کاهش دادن مدت حضور افراد در فعالیت های جنایی و جلوگیری از روی آوردن آنان به اعمال و حرفه مجرمانه است پیشگیری رشد مدار به دنبال آن است تا علاوه بر افراد محیط های شخصی و عمومی پیرامون آنان را نیز درگیر نماید تا از تداوم رفتار جنایی افراد در معرض خطر

افراد جامعه شده (پیشگیری واکنشی عام) و از ارتکاب جرم از سوی آنان جلوگیری می کند و همچنین باعث عبرت و ترس خود مجرم شده (پیشگیری واکنشی خاص) و از تکرار جرم توسط مجرم جلوگیری به عمل می آورد. یکی از دلیل هایی که قانون گذار در انتخاب مجازات ها به نوع و شدت و ضعف آن ها توجه دارد ایجاد رعب و هراس در مردم است یعنی همان پیشگیری واکنشی عام، قانون گذار با این تصور که ترس از مجازات سنگین ممکن است بزهکاران احتمالی را از اندیشه های شریرانه منصرف گرداند با اجرای آن امیدوار است درس عبرتی به آنان داده باشد. این نوع پیشگیری هر چند اثراتی دارد ولی چندان موثر نیست چون اگر موثر واقع می شد امروزه شاهد وقوع این همه جرائم در جوامع مختلف نبودیم.

## مفهوم پیشگیری غیر کیفری (کنشی)

پیشگیری کنشی اقداماتی است که قبل از وقوع جرم و از طریق تأثیر گذاری بر علل و عوامل وقوع جرم مانع وقوع جرم می شود و جنبه ی اصلاح و درمان دارد و فاقد جنبه ی کیفری و خشونت آمیز است. پیشگیری کنشی را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

## ۲-۱. پیشگیری وضعی

با ایجاد یک سری تغییرات در شرایط پیش از ارتکاب جرم به دنبال افزایش هزینه های ارتکاب جرم و سخت تر کردن ارتکاب جرم برای مجرم است مانند نصب دوربین، نصب دزد گیر، چراغانی کردن خیابان ها، دیوار کشی کردن و نصب حصار. از ایراداتی که بر پیشگیری وضعی وارد است این است که مانع موقت در مسیر ارتکاب جرم توسط مجرم ایجاد می

جلوگیری شود. هدف این نوع پیشگیری مداخله زودرس در افرادی است که رفتار ضد اجتماعی از خود بروز می دهند و این رفتار می تواند از تحول تدریجی به سوی یک بزهکاری در آینده خبر دهد.

اهمیت دادن به مسئله بزهکاری اطفال و نوجوانان به قدری مهم است که اکثر کشورهای جهان توجه خاصی به آن دارند لذا در بسیاری از کشورهای دنیا نظام خاصی هم به لحاظ ماهوی و هم به جهت شکلی برای رسیدگی به بزهکاری اطفال و نوجوانان پیش بینی شده که دارای مزیت هایی نسبت به نظام عدالت کیفری است که به جرائم بزرگسالان رسیدگی می کند و این نشان از ارزش و اهمیت اطفال و نوجوانان به عنوان سرمایه های اصلی جامعه اند. نتایج مطالعه ی حاضر حاکی از آن است که تنها علت خاص و واحدی را نمی توان برای مسئله بزهکاری اطفال و نوجوانان در نظر گرفت و علل و عوامل متعددی مانند عوامل خانوادگی (از قبیل: اعتیاد والدین یا یکی از اعضای خانواده، طلاق، فوت والدین، سابقه محکومیت کیفری در خانواده و...)، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی (از قبیل: مدرسه و دوستان، مهاجرت، جنگ و...)، عوامل روانی و عوامل ارثی و ژنتیکی در بروز بزهکاری در اطفال و نوجوانان می توانند موثر باشند

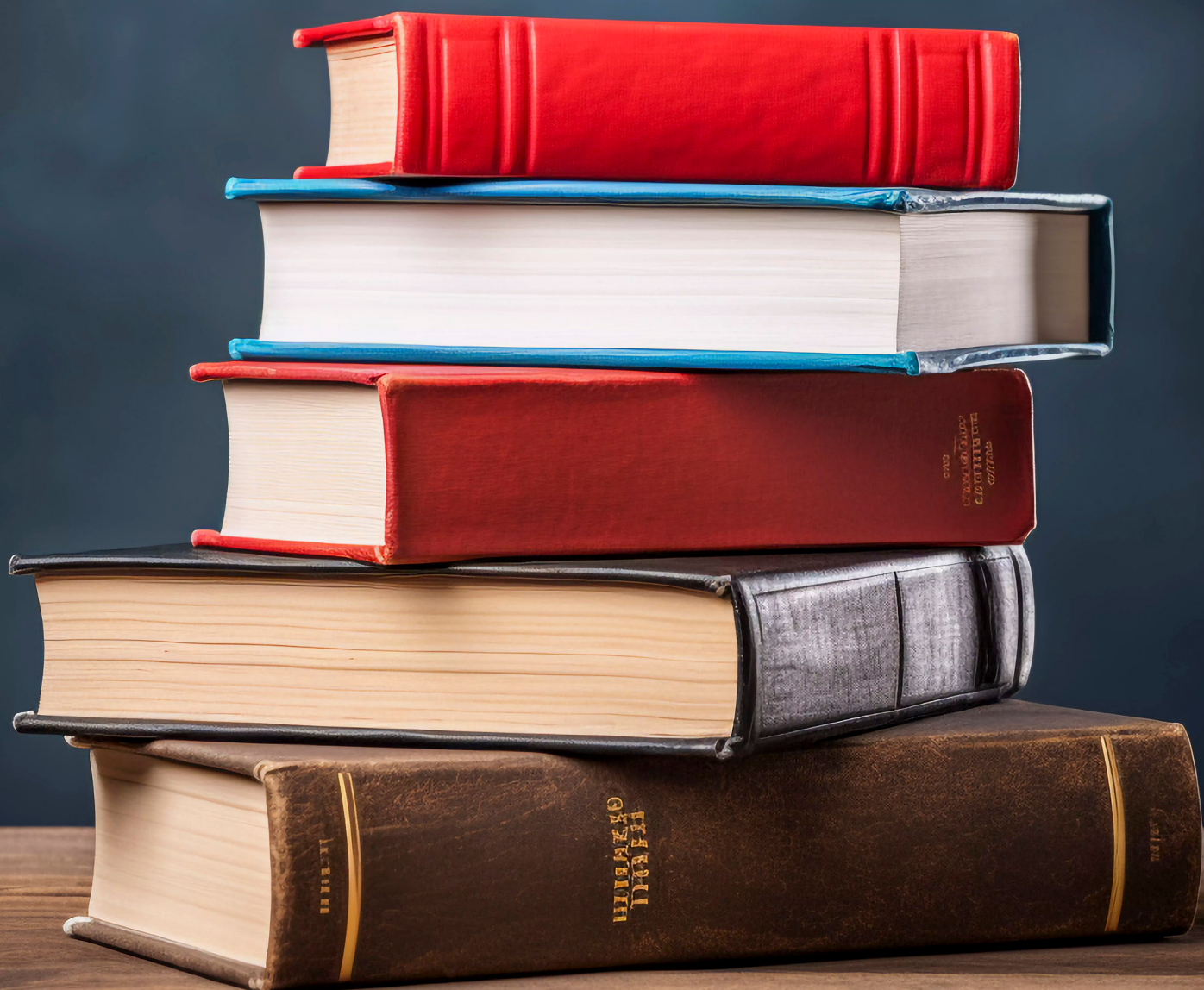
لکن تاثیر عوامل خانوادگی و محیطی بسیار بیشتر و موثر تر از سایر عوامل است. از میان روش های پیشگیری از وقوع بزهکاری توسط اطفال و نوجوانان پیشگیری کیفری (واکنشی) دارای ایراداتی است زیرا اگر این نوع از پیشگیری موثر بود امروزه شاهد وقوع این همه جرائم گوناگون نبودیم. پیشگیری وضعی نیز کارایی چندانی ندارد و هزینه های زیادی را نیز بر دولت و جامعه تحمیل می کند و نمی تواند ذهن مجرمانه ی فرد را از بین ببرد و تنها باعث افزایش هزینه ی ارتکاب جرم توسط مجرم و تغییر سیبل و هدف جرم می شود. بنابراین نتایج مطالعه حاضر نشان می دهد که موثر ترین راهکار در جهت پیشگیری از بزهکاری در اطفال و نوجوانان پیشگیری کنشی (غیر کیفری) و از نوع اجتماعی و رشد مدار با همکاری خانواده و مدرسه از طریق مداخله در دوره های مختلف رشد اطفال و نوجوانان است. مشارکت خانواده و مدرسه می تواند جایگاه بسیار مهمی در شکل گیری شخصیت اطفال و نوجوانان و شناسایی کودکانی که در معرض خطر بزهکاری هستند داشته باشد و در نهایت منجر به پیشگیری از بزهکاری در اطفال و نوجوانان و کشف و رشد و هدایت استعداد ها و توانایی های آنان در مسیر درست شود.

۱. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، (۱۳۹۹)، جلد سوم، تهران: نشر میزان، چاپ ۲۲
۲. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، (۱۳۹۹)، جلد دوم، تهران: نشر میزان، چاپ ۵۵
۳. جهانی، میلاد. (۱۳۹۹). تاثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی خانواده در بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: مجله تحقیقات حقوق قضایی، دوره اول، شماره ۲.
۴. خالقی، علی، (۱۴۰۱)، آیین دادرسی کیفری جلد دوم، تهران: نشر شهر دانش، چاپ ۴۵
۵. رحیمی نژاد، اسمعیل، (۱۴۰۱)، جرم شناسی، تهران: نشر فروزش، چاپ ۶
۶. رستمی، هادی، (۱۴۰۱)، آیین دادرسی کیفری، تهران: نشر میزان، چاپ ۲
۷. سیف، سوسن. (۱۳۷۹)، عوامل موثر خانوادگی در بزهکاری نوجوانان
۸. شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۹۵)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: نشر مجد، چاپ نخست
۹. صادق زاده، ابراهیم. (۱۳۹۸)، جرم شناسی اطفال و ارزیابی شخصیت اطفال بزهکار
۱۰. ملکوتی، رسول، (۱۳۹۷)، اشخاص و مجبورین، تهران: نشر مجد، چاپ نخست
۱۱. منصور آبادی، عباس، (۱۳۹۷)، کلیات حقوق جزا، تهران: نشر میزان، چاپ ۴
۱۲. مهاجرین، رضا، (۱۳۸۹)، تاثیر حاشیه نشینی بر میزان بزهکاری در کلان شهر ها، تهران: انتشارات جنگل، چاپ ۲
۱۳. نیاز پور، امیر حسین، (۱۳۸۷)، بزهکاری به عادت از علت شناسی تا پیشگیری، تهران: نشر فکرسازان، چاپ نخست
۱۴. نیاز پور، امیر حسین، (۱۳۸۵)، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و لایحه ی پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستر

## بخش دوم [۰۲] فرهنگی



|         |             |
|---------|-------------|
| ۵۱..... | معرفی کتاب  |
| ۵۳..... | معرفی شخصیت |
| ۵۷..... | مصاحبه      |



## عنوان کتاب: حقوق هنر

نویسنده: امین معتمدی

ناشر: انتشارات جنگل



امین معتمدی

به قلم

فرشید قدیم‌خانی

فارغ‌التحصیل کارشناسی حقوق دانشگاه محقق اردبیلی



از جذابیت علم حقوق همین بس که با تحولات روز، چهره تازه به خود می‌گیرید و هر کجا که لازم باشد، در وهله اول نمایانگر وجهه حمایتی و سپس مجری عدالت خواهد بود. این است که امروزه، حقوق محدود به موضوعاتی چون حقوق مدنی، حقوق جزا، حقوق کار و... نبوده و گذشت زمان، بر شاخه‌های این درخت تنومند می‌افزاید. بطور کلی شاید بتوان گفت آنچه یک دانشجوی حقوق در دوره کارشناسی و حتی تحصیلات تکمیلی از این رشته می‌بیند، قطره‌ای در اقیانوس حقوق است.

یکی از شاخه‌های جدید، تخصصی و در عین حال جذاب حقوق، «حقوق هنر» می‌باشد که شاید در ایران، کمتر کسی به سراغ مطالعه آن رفته و یا چیزی از آن شنیده باشد. بطور کلی حقوق هنر را می‌توان به بررسی حقوقی مسائل مرتبط با هنر و فرهنگ خلاصه کرد. این موضوعات، طیف وسیعی از مسائل موجود - نظیر حقوق قراردادها، حقوق مالکیت فکری و... - و مسائل نوظهور - نظیر حقوق هنرمندان، حقوق میراث فرهنگی و... - را در بر می‌گیرد.

از جدیدترین آثار معرفی شده به جامعه حقوقی ایران، کتاب «حقوق هنر» امین معتمدی از انتشارات جنگل است که فتح بابی در زمینه حقوق هنر در کشور محسوب می‌شود. نویسنده خوش ذوق این اثر که خود، دانشجوی دکتری حقوق بین الملل است نیز بر این موضوع امیدوار است که اثر وی، موجبات توجه بیشتر و عمیق‌تر به حقوق هنر شده - به مثابه یک گرایش کمتر شناخته شده - و به سمت گفتمان‌های تخصصی هدایت شود.

نویسنده در این اثر با تبیین مسائل کلی و سیر تحول تاریخی حقوق هنر در فصل اول، موضوعات تخصصی نظیر سرقت، جعل و احراز اصالت آثار هنری (فصل دوم)، حقوق قراردادهای هنری (فصل سوم)، حقوق مالکیت فکری، ادبی و هنری (فصل چهارم)، حقوق موزه‌ها و میراث فرهنگی (فصل پنجم) و حل و فصل اختلافات هنری (فصل ششم) را بررسی و در نهایت مکتوب خود را با موضوع حقوق هنر و فناوری در فصل هفتم به پایان می‌رساند.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «حقوق هنر برخلاف برخی دیگر از گرایش‌های حقوقی، رنگارنگ و پر رمز و راز است. به واقع حقوق و هنر شانه به شانه و گاه سایه به سایه به نوعی برهم تاثیر می‌گذارند و با هم رشد می‌کنند.

گاه حقوق در کشاکش پیچیدگی اصالت آثار هنری در تلاطم است و گاه حقوق سپری می‌شود در مقابل شیشه نازک و ظریف آثار هنری تا مبدا از گزند آسیب‌ها صدمه ببیند. باری، پرداختن به تمام این موضوعات در نهایت موجب رشد و اعتلا کیفیت سطح زندگی خواهد شد.»

«حقوق هنر» مناسب برای دانشجویان رشته حقوق، وکلا، هنرمندان و همه کسانی است که به دنبال یک منبع در این زمینه می‌باشند.

این کتاب به دلیل پرداختن به موضوعات تخصصی مرتبط با حقوق و هنر، در کنار مروری بر برخی پرونده‌های خارجی، نه تنها برای جامعه حقوقی، که برای هنرمندان نیز مفید بوده و موجب آشنایی این قشر با حقوق خود خواهد شد.

## معرفی شخصیت: دکتر محسن محبی



به قلم  
 علی محمد محمدی  
 دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه محقق اردبیلی



دکتر محسن محبی در سال ۱۳۳۰ و در خانواده‌ای روحانی متولد گردید. دوران متوسطه را در دبیرستان علوی و سپس در دبیرستان دارالفنون (رشته ادبی) سپری نمود. مدتی را در رشته اقتصاد در دانشگاه شیراز به مطالعه مشغول گردید و سپس به توصیه پدر و دوستانش مسیر خود را به رشته حقوق دانشگاه تهران که در آن رشته هم قبول شده بود، تغییر داد. پس به سال ۱۳۵۲ فارغ التحصیل رشته حقوق قضائی شد و در خرداد ۱۳۵۴ در بانک ملی ایران استخدام گردید. محسن محبی تحصیلات عالی خود را در رشته خصوصی در دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی آن روزگار) ادامه داد (۱۳۵۶).

ایشان در مورد این بخش از دوران تحصیل خود چنین می‌گوید «رساله‌ام ابتدا با شادروان دکتر سید حسن امامی بود (حق شرط) اما بعد از پیروزی انقلاب ناگزیر شدم با استاد دیگری بعنوان استاد راهنما کار کنم. پس نعم البدل حاصل شد و شادروان دکتر مهدی شهیدی استاد راهنمای من شد و این به سال ۱۳۶۳ بود. دکتر شهیدی می‌دانست که من مختصر سابقه‌ای در دروس حوزوی دارم و به من خیلی لطف و توجه داشت. وی دقت نظر خاصی داشت و راهنمایی هر موضوعی را بعنوان رساله فوق لیسانس - کارشناسی ارشد - نمی‌پذیرفت. اما من دانشجوی امام جمعه بودم و ضمناً بعد از تعویض استاد راهنما، موضوع رساله من "جنبه‌های حقوقی اعتبارات اسنادی بانکی" بود که به قول ایشان، در آن سالها بسی تازه و بدیع بود...»

در سال ۱۳۶۱ دیوان داوری ایران و آمریکا بر اساس بیانیه‌های الجزایر (۱۳۵۹) تشکیل

گردید تا به دعاوی اتباع و دولتی ایران و آمریکا رسیدگی کند. از طرفی حجم انبوه دعاوی در دادگاههای خارجی و مراجع داوری بین المللی و له و علیه دولت نو پای انقلاب مطرح شده بود که مدیریت و دفاع در برابر آنها محتاج استفاده از خدمات وکلا و حقوقدانان مبرز و مطلع در امور بین المللی بود. برای همین منظور دفتر خدمات حقوقی بین المللی (وابسته به نخست وزیری و بعداً ریاست جمهوری) تاسیس شد که کار اصلی آن نظارت، هماهنگی و برنامه ریزی در دعاوی بین المللی له و علیه دولت بود. در همین راستا، در سال ۱۳۶۲ از دکتر محبی برای همکاری با دفتر خدمات دعوت شد و وی از بانک ملی ایران مأمور خدمت در دفتر خدمات حقوقی بین المللی شد که بیست و پنج سال، یعنی تا زمان بازنشستگی اش، ادامه یافت. ابتدا بعنوان مشاور حقوقی و پس از اندکی، در دوران سرپرستی دکتر افتخار جهرمی در دفتر خدمات، معاون حقوقی و عملاً قائم مقام دفتر شد. سال ۱۳۶۹ بعنوان سرپرست شعبه لاهه دفتر خدمات به هلند (لاهِ) اعزام شد و از نزدیک با دیوان داوری در لاهه کار میکرد. در همان دوران و بعد از پنج سال تلاش علمی و عملی موفق گردید در سال ۱۳۷۴ در مقطع دکتری رشته حقوق بین الملل دانشگاه لوآن بلژیک (Louain-la-Neuve) فارغ التحصیل گردد.

این دانشگاه جزو پنج دانشگاه درجه اول اروپا در ردیف اکسفورد و کمبریج و ماکس پلانگ است. استاد راهنمای ایشان در دوره دکتری، پروفسور فرانسوا ریگو بود و موضوع رساله اش "ماهیت حقوق بین الملل دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا" بوده است که با درجه ممتاز و با تحسین ژوری

پذیرفته شد. پروفیسور "فالون" و پروفیسور "جو ورهون" مشاورت رساله ایشان را بر عهده داشتند و شادروان پروفیسور "یان برانلی" نیز رساله او را خوانده و بر کار ایشان در دوره دکتری نظارت داشته است. وی در چندین دوره تابستانی آکادمی حقوق بین الملل لاهه نیز شرکت کرده و بر تجربیات علمی و عملی خود افزود.

دکتر محسن محبی در سال ۱۳۶۴ زمانی که معاون دفتر خدمات حقوقی بود، توانست اولین مجله حقوق بین الملل ایران را به اسم "مجله حقوقی" راه اندازی نماید که برای مدت های مدید سردبیری آن را نیز بر عهده داشت و اعتبار علمی فراوانی در جامعه حقوقی کشور کسب نمود. از نو اوریهای این مجله بخش اسناد بین المللی ان است که اغلب انها ترجمه خود او است. از سال ۱۳۷۶ و پس از بازگشت از هلند از امور اجرایی کناره گرفت و به فعالیت های علمی و آکادمیک پرداخت و در همین دوران بیش از ۴۰ عنوان مقاله فارسی و انگلیسی در حوزه حقوق بین الملل، داوری بین المللی، و حقوق بانکی تألیف و یا ترجمه کرده است. ذوق ادبی دکتر محسن محبی موجب شد تا از فعالیت در مجلات ادبی نیز غافل نماند دهها مقاله در حوزه ادبیات و شعر و نقد ادبی نیز از وی منتشر شده است.

کتب ارزشمندی از ایشان به چاپ رسیده است که برخی به زبان انگلیسی بوده اند. انتشارات حقوقی معتبر کلوتر (Kluwer Law Publication) کتاب دیوان داوری ایران - آمریکا ایشان را در سال ۲۰۰۰ منتشر نمود که بعدا توسط دکتر محمد حبیبی به فارسی ترجمه و با نام "دیوان داوری ایران و آمریکا: ماهیت، صلاحیت، ساختار" در سال ۱۳۸۲ منتشر گردید.

مجموعه چند مقاله درباره بیانیه های الجزایر، داوری و موسسات دولتی، نظام داوری اتاق بازرگانی بین المللی (ICC)، مباحثی از حقوق نفت و گاز و فلسفه حقوق بین الملل از دیگر آثار این چهره حقوقی کشور است. دکتر محسن محبی در سال ۱۳۸۷ مدتها معاون پژوهشی مرکز گفتگوی تمدنها بود. ایشان در حال حاضر عضو هیئت علمی دانشگاه ازاد (مرکز علوم و تحقیقات) هستند و در مقاطع فوق لیسانس و دکترای حقوق بین الملل در دانشگاه های مختلف تدریس می کنند. ضمنا وی از پیشگامان ترویج و گسترش داوری بویژه داوری بین المللی در حقوق ایران است و سالها است در این زمینه فعالیت دارد. دکتر محبی داور ایرانی عضو دیوان بین المللی داوری (ICC) در پاریس میباشد و از سال ۱۳۸۴ دبیرکل مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران بوده است. سوابق تجربی و مشاغل:

۱۳۵۳- استخدام اداره حقوقی بانک ملی ایران

۱۳۵۸- تاکنون - وکیل پایه یک دادگستری (عضو کانون وکلای دادگستری مرکز)

۱۳۶۳- تاکنون - مترجم رسمی دادگستری (زبان انگلیسی)

۱۳۷۶ تاکنون - عضو دیوان بین المللی داوری ICC (پاریس)

۱۳۶۴ - ۱۳۸۵- سردبیر مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی (دو دوره)

۱۳۷۴ تاکنون- مشاور حقوقی ارشد اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

۱۳۷۵ تاکنون - مشاور حقوقی بانک ملت، بانک توسعه صادرات، بانک کشاورزی، بانک ملی ایران

۱۳۸۴-۱۳۶۵- عضو هیئت داوری بورس اوراق بهادار، بورس فلزات، بورس کشاورزی

۱۳۷۵- عضو انستیتو حقوق تجارت جهانی (ICC)

۱۳۶۴ تاکنون- دبیر کمیسیون حقوق بین الملل و داوری کمیته ملی ICC (در ایران) ۱۳۸۴ تاکنون- دبیر کل مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران

۱۳۶۹-۷۵- سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین المللی در لاهه (دعاوی ایران و آمریکا) ۶۹-۱۳۶۲- معاون حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی (ریاست جمهوری) سایر فعالیتها:

۱۳۶۷- سخنران سمینار ICC درباره ضمانت نامه های عند المطالبه (-۱۹۸۸ پاریس)

۱۳۶۸- سخنران سمینار قراردادهای بین المللی، کمیته ایرانی ICC (شش دوره)

۱۳۷۵- تا بحال عضو هیات تحریریه مجله حقوقی مرکز امور حقوقی بین المللی (ریاست جمهوری)

۱۳۷۸- سخنران اولین کنفرانس داوری بین

المللی دانشکده حقوق شهید بهشتی

۱۳۷۸- عضو هیئت علمی مرکز علوم و

تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

۱۳۷۹- سخنران سمینار حل و فصل

اختلافات تجاری بین المللی، کمیته ایرانی

ICC (پنج دوره)

۱۳۷۹- سخنران اولین کنفرانس گفتگوی

تمدن ها - سیدنی (استرالیا)

۱۳۸۱- سخنران همایش حداکثر سازی

قیمت نفت (قراردادهای نفتی بیع متقابل)

۱۳۸۲- سخنران سمینار ضمانتنامه های عند

المطالبه، کمیته ایرانی ICC

۱۳۸۶- سخنران صدمین سال قراردادهای

نفتی در ایران

۱۳۸۶- سخنران همایش مشترک داوری

ICC و ایران

۱۳۸۸- سخنران صدمین سال تاسیس نهاد

داوری در حقوق ایران

## مصاحبه با جناب آقای دکتر فنی اصل



مصاحبه کننده: پریسا امین زاده  
دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه محقق اردبیلی



چه نوع فعالیت هایی میتوانند باعث ارتقای سطح علمی انجمن ها بشوند؟

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از برنامه های خوب وزارتی در نظر گرفتن انجمن های علمی است که دانشگاه ما هم با شعار هر رشته یک انجمن علمی به این امر وارد شده و حدود هفتاد انجمن علمی رشته ای و بین رشته ای ما داریم؛ نحوه فعالیت اساسی اینها این است که خلأهای علمی و پژوهشی رشته را پیدا کرده و دانشجویان دست به دست هم بدهند و مشکلات همدیگر را رفع کنند، اعم از پژوهشی، کمک درسی، اعم از انتشار نشریه، برگزاری دوره های متعدد، آشنایی با نرم افزارهای متعدد، دعوت از اساتید دانشگاه های دیگر، برگزاری کارگاه برای مباحث ویژه ای که مورد نیاز دانشجویان هست، برگزاری آمادگی برای کنکور، برگزاری دوره برای نحوه مقاله نویسی، نحوه پایان نامه نویسی، نحوه پروپوزال نویسی که اینها را انجمن های علمی عموماً وارد میشوند و یا اینکه در رشته ی خاص مثلاً موضوع خاصی در طی دو واحد، بخشی از مبحث گفته میشود برای اینکه این کلی تر و جامع تر بیان بشود انجمن علمی وارد شده و در این زمینه سعی می کند خلأ و مشکل را به نوعی پر کند.

چه نوع فعالیت هایی برای انجمن ها امتیاز آور است برگزاری بیشتر کارگاه ها یا بازدیدهای علمی؟

چون امتیازهایی که برای فعالیت انجمن علمی در نظر گرفته میشود از مجموعه ای از کارها به دست می آید؛ یعنی هر کدام از کارهایی که انجام میدید بخشی از امتیاز هست ما نمیتوانیم بگوییم مثلاً فقط

کارگاه، فقط بازدید. هم کارگاه مهم است و هم نشریه، هم بازدید مهم است و هم برگزاری دوره ها، همچنین نوآوری های دانشجویی نیز خیلی مهم است؛ یعنی مجموعه ی امتیازات از مجموعه ی فعالیت ها به دست می آید. مثلاً یک انجمن علمی فقط مشغول میشود به کارگاه درحالی که مثال کارگاه ده نمره دارد شما ده نمره از بیست نمره کار کردید بقیه موارد مانده این هم ده امتیاز بوده ده امتیاز دیگر اصلاً به جایی نرسیده است به همین خاطر موارد متعدد امتیاز آور خواهد بود؛ آن انجمن علمی موفق میشود که موارد امتیاز آور را از قبل با همکاران ما به نوعی در تماس باشد اطلاع داشته باشد و برای هر کدام کار کند نه این که مختص یک کار باشد؛ مجموعه اینها یک امتیاز خوب برای فعالیت انجمن علمی به نوعی به دست می آورد.

شورای فرهنگی تا چه میزان میتواند برای برنامه هایی که انجمن علمی ها پیش بینی می کنند بودجه اختصاص بدهد؟

کلاً برای کارهای انجمن های علمی هیئت نظارت تصمیم می گیرد نه شورای فرهنگی؛ که متشکل از معاون فرهنگی، معاون پژوهشی، مدیر امور انجمن های علمی، مدیر پژوهشی دانشگاه، دو نفر از اساتید منتخب دانشگاه، سه نفر از دانشجویان، و بدین ترتیب یک هیئت قوی تشکیل میشود. پس هیئت نظارت بر انجمن های علمی جداست و رئیس آن هم رئیس دانشگاه است. در مورد انجمن علمی در ارتباط با برنامه ها نظر رئیس دانشگاه محترم این است که هر برنامه ی مفیدی اجرا بشود دانشگاه باید هزینه تامین کند. و در این برنامه ها خواهش بنده این است که برنامه های تکراری و برنامه های

بالا تری دارند به هیئت نظارت از طرف رییس محترم دانشکده ارسال میشود. هیئت نظارت طی جلسه ایی که خود دبیر انجمن علمی به همراه استاد مشاور نیز حضور دارند از برنامه هایشان در اینجا دفاع می کنند و برنامه در هیئت نظارت تصویب میشود.

برای چه نوع برنامه هایی محدودیت یا ممنوعیت اعمال میشود؟

انجمن های علمی از وارد شدن به مباحث سیاسی روز اجازه ندارند انجمن های علمی اجازه ندارند مثلا فردا روز در انتخابات در بحث تبلیغات افراد و جناح و باند و امثالهم باشند؛ انجمن علمی وظیفه اش کارهای پژوهشی و علمی است و ما تشکل سیاسی داریم که کار اینها سیاسی است در کنار آن کانون هنری داریم کارشان هنری است، کانون مذهبی داریم که کارشان کارهای مذهبی است؛ انجمن های علمی ما چه بسا الان سال هایی است که متأسفانه دم انتخابات یک عده با عنوان انجمن های علمی استان در ستادها شرکت می کنند، این مورد تایید ما نیست ما انجمن های علمی استانی نداریم ولی حالا برخی از کاندیدهاها به خاطر منافع خودشان یک اسم هایی درمی آورند این بحثش جداست؛ انجمن های علمی اصلی ترین وظیفشان کارهای پژوهشی علمی است و بحث حالا گردش و بازدید و امثالهم اساسا به عنوان هدیه ای برای آن جمعی که کار کرده، یک سال زحمت کشیده میباشد. و الا یک انجمن علمی هیچ کاری انجام نداده است و مکرر بازدید به بازدید بروند زمینه فقط تا حدی فراهم خواهد بود.

در نهایت یک نقشه ی راه کلی برای موفقیت در تحصیل و فعالیت های علمی فرهنگی چه

عادی و روزمره نباشد؛ ما از انجمن های علمی این انتظار را داریم برنامه های نو، جذاب، ابتکاری، برنامه ایی که واقعا ما می بینیم در این حیطه دانشگاه نتوانسته گام بردارد انجمن علمی وارد میشود. برای مثال چه بسا رشته رباتیک نداریم انجمن علمی اقدام به کار می کند؛ و در مسابقاتی که برگزار میشود این گروه شرکت میکنند خوب چه بسا رشته نیست ولی انجمن علمی این مشکل دانشگاه را حل میکند. به همین خاطر ما انتظارمان این است که برنامه های نوآورانه، برنامه هایی که موثر برای دانشگاه، برنامه ای که خود دانشجوی را واقعا پخته می کند؛ یکی از دغدغه های ما این است که دانشجوی باید کار کند کار جمعی انجام بدهد و بر اساس این کار جمعی خودش آماده بشود که وارد اجتماع شود؛ هر دانشجوی دو یا سه سال چهار سال در دانشگاه هست، ما وظیفمان این است که دانشجویان را آماده کنیم برای چهل پنجاه سال بعد که در جامعه قرار است باشد. دانشگاه امکانات میگذارد دغدغه اش این است که خود دانشجوی تقویت بشود و الا ما الان انتظار نداریم دانشجوی خودش یک چیزی را اختراع کند یا مثلا یک کار ویژه انجام بدهد؛ الان دغدغه ما این است که دانشجوی اینجا آزمایش خطا کند، کار یاد بگیرد، جمعی حرکت کردن رایاد بگیر تا فردا که مسئولیتی بر عهده گرفت با توانمندی بتواند کار انجام بدهد؛ به همین خاطر دانشگاه در این وادی مشکل خاصی ندارد. همه ی برنامه های مفید را سعی می کند حمایت کند.

ولی به این شکل نیز است: برنامه هایی که تا پنج میلیون تومان هزینه دارد این را در دانشکده ها و آنهایی که هزینه های

چیزی می‌تواند باشد؟

اولا دانشجو بداند که استعداد خیلی زیادی دارد، ثانيا دانشجو اگر خودش را محدود به پاس کردن واحدهای درسی بکند واقعا از عمر خودش استفاده خیلی اندکی کرده است؛ ثالثا دانشجو بداند که توانایی و هنر دارد چندین کار را در کنار درس انجام بدهد؛ حفظ کردن درس‌ها و واحد و نمره گرفتن واقعا اتلاف عمر دانشجو است چون عموما از یاد می‌روند. ما معتقدیم که دانشجو در دانشگاه باید هنر یاد بگیرد، پژوهش یاد بگیرد، کار کردن جمعی یاد بگیرد، ورزش خوب انجام بدهد، دانشجو در خوابگاه‌ها تعامل با همدیگر رایاد بگیرد، ادب برخورد با وقار را با استاد با دانشجویان دیگر و همکاران یاد بگیرد.

ما معتقد هستیم که دانشجو چهار سالی که در دانشگاه خدا لطف می‌کند حضور میابد باید از لحظه لحظه‌ی این عمر علمی خودش استفاده مفید کند؛ برای تمام لحظاتهش برنامه داشته باشد. اگر دانشجو به دانشگاه به یک فرصتی نگاه کند که از این فرصت، از هر لحظه استفاده کند تا یک عمر از این توانمندی خودش بهره ببرد؛ این دانشجو

قطعا تلاش خواهد کرد که در زمینه‌های متعدد موفق بشود وگرنه خودش را منحصر کند فقط برای حفظ کردن چند تا مطلب واقعا یک فرد توانمند و باسوادی از دانشگاه فارغ‌التحصیل نمیشود و مطلب بعدی این است که خواهش می‌کنیم دانشجویان عزیز، میگویند که: (مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق آورد) استادی که می‌آید کلاس می‌بیند دانشجو واقعا نه حال دارد و نه حوصله، نه درس خوانده و نه گوش میکند چطور می‌تواند به این جمع درس بگوید؛ باید این روحیه‌ی علمی را در کلاس‌ها احیا کنید، از اساتید کار علمی بکشید، اساتید را وادار کنید با مطالعه به کلاس شما بیایند. در این کلاسها این خیلی مهم است، افراد عالم به نوعی نماینده کلاس بشوند، جهت دهنده‌ی کلاس افراد عالم کلاس بشوند؛ به همین خاطر این توصیه نهایی مقام معظم رهبری را که می‌فرماید دانشجو سه وظیفه ازش مورد انتظار است:

یک تحصیل، دو تهذیب (به نوعی از لحاظ اخلاقی و از لحاظ معنوی تحصیل داشته باشد) سه ورزش را ان شاءالله دانشجویان در نظر بگیرند قطعا موفق خواهند شد.



# بخش سوم [۰۳] تفکر انتقادی



نقد فیلم..... ۶۵



# تحلیل و نقد حقوقی فیلم «قسم» به کارگردانی: محسن تنابنده



مهدی زلالی  
دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه محقق اردبیلی



اداکننده سوگند در این ماده شرط تغلیظ قسامه می‌باشد. و اداکنندگان سوگند مجبور به اقامه قسامه در بارگاه امام رضا (ع) نبودند.

مهم‌ترین اشکال و نقد حقوقی این فیلم مربوط به سکانسی است که دایمی راضیه خطاب به او می‌گوید: «راضیه بقیه خودشون میان ما ۳۶ نفریم، تو گفتی باید ۵۰ قسم بخوریم. راضیه: بعضی‌ها باید دوبار قسم بخورند که بشود ۵۰ تا» در این دیالوگ بحث تکرار قسم مطرح می‌شود. در مورد امکان تکرار قسم در جنایات مادون نفس به استناد تبصره ۱ ماده ۴۵۶ ق.م.ا.هیچ شکی وجود ندارد. بحث در مورد امکان تکرار قسم توسط شامی، در اثبات قتل عمدی هست. با بررسی سیر تقنینی قانون مجازات اسلامی در تبصره ۲ ماده ۲۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر شده بود. «چنانچه تعداد قسم خوردندگان کمتر از پنجاه نفر باشند هر یک از قسم خوردندگان مرد می‌تواند بیش از یک قسم بخورد به نحوی که پنجاه قسم کامل شود.» حکم این تبصره به نحو مطلق امکان تکرار قسم، قسم خوردندگان مرد را داده است. بر این اساس هم قسم خوردندگان مرد مدعی و هم مدعی لیه می‌توانستند قسم خود را تکرار کنند. حکم این ماده از نظریه فقهی امام خمینی (ره) که در مساله اول مقصد دوم: قسامه جلد دوم تحریرالوسیله بیان شده است.

بعداً بر اساس فتوای مقام معظم رهبری ماده ۲۴۸ و تبصره‌های آن طی قانون اصلاح موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ اصلاح شد. بر اساس این اصلاح امکان تکرار قسم، فقط در فرض رد قسامه از سوی مدعی، و برای مدعی امکان تکرار

قسامه یکی از ادله اثبات جرم است که در ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است. قسامه صرفاً برای اثبات جنابتهای کار می‌رود و در سایر جرایم نمیتوان به وسیله قسامه جرم را اثبات کرد. بر اساس ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی «قسامه عبارت از سوگندهایی است که در صورت فقدان ادله دیگر غیر از سوگند منکر و وجود لوث، شاکی برای اثبات جنایت عمدی یا غیرعمدی یا خصوصیات آن و متهم برای دفع اتهام از خود اقامه می‌کند.»

در فیلم قسم نیز اولیای دم مقتول که خواهران وی می‌باشند برای اثبات قتل به دلیل عدم وجود سایر ادله و حصول لوث برای قاضی برای اثبات جنابت قاتل به قسامه متوسل شده‌اند. نکات حقوقی این فیلم که در برخی دیالوگ‌ها اشاره شده مورد بررسی و نقد قرار خواهد گرفت. خلاصه داستان این فیلم به این قرار است. خانم‌ها راضیه ربیعی و خواهرش مرضیه بر علیه آقای بهمن (شوهرخواهرشان) به اتهام قتل عمدی خواهرشان رضوان، شکایتی طرح نموده‌اند. به دلیل نبود ادله کافی اما حصول لوث برای قاضی، وی حکم به اقامه قسامه در بارگاه امام رضا (ع) داده است. راضیه نیز تعدادی از بستگان خود را جمع کرده و با اتوبوسی راهی مشهد است تا اقامه قسامه کنند.

اولین نکته‌ای که مورد توجه قرار می‌گیرد حکم قاضی به اقامه قسامه در بارگاه امام رضا (ع) است. در حالی که محل وقوع جرم شهر گرگان است. دادگاه به استناد ماده ۲۰۳ ق.م.ا. اقامه قسامه را از لحاظ مکانی تغلیظ نموده است. در حالی که موافقت

تغییر نگرش، رویکرد جدیدی را در توسعه قلمرو و ادا کنندگان سوگند اتخاذ کرده است. به طوری که خویشاوندان و بستگان سببی طرفین (مدعی و متهم) هم می‌توانند از جمله سوگند خورندگان باشند. بنابراین این مورد هم یکی از اشکالات و نقدهای جدی است که بر فیلم وارد می‌باشد.

نکته بعدی در مورد آزادی متهم (بهمن) با قید وثیقه است. در ماده ۳۵ قانون سابق (قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸) صدور قرار بازداشت برای متهم به قتل عمد تا صدور حکم بدوی الزامی دانسته شده بود. ولی در ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری کنونی اصل بر عدم صدور قرار بازداشت موقت است و قراره بازداشت موقت در یک سری جرائم خاص با احراز شرایط ماده ۲۳۸ ق.آ.د.ک برای قاضی جایز است. در بند الف ماده ۲۳۷ به جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات می‌باشد اشاره شده است. اما در مورد جرائم مستوجب سلب حیات هم ماده ۲۴۲ ق.آ.د.ک مقرر داشته اگر تا دو ماه به علت صدور قرار تامین، متهم در بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشود بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرارداد است و در بخش اخیر این ماده مقرر داشته در جرائم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال تجاوز نمی‌کند. در فیلم قسم نیز ۵ سال از تعقیب متهم گذشته است. طبیعتاً بر اساس قانون جدید آیین دادرسی کیفری قرار تامین منتهی به بازداشت موقت بهمن به قرار وثیقه تبدیل می‌شود.

دادگاه برای شکات (راضیه و مرضیه) «وکیل

قسم توسط قسم خورندگان کلاً از بین رفت. و در نهایت در قانون مجازات سال ۱۳۹۲ نیز همین مبنا در مورد امکان تکرار قسم مورد استفاده قرار گرفته است. ماده ۳۳۶ ق.م.ا. مقرر می‌دارد «نصاب قسامه در اثبات قتل عمدی، سوگند پنجاه مرد از خویشاوندان و بستگان مدعی است. با تکرار سوگند قتل ثابت نمی‌شود.» اما در ادامه ماده ۳۳۸ ق.م.ا. امکان تکرار قسامه برای مدعی علیه در «قسامه نفی» را ممکن می‌داند.

بنابراین در این سکانس از فیلم چون اقامه قسامه برای اثبات قتل بود امکان تکرار قسامه وجود ندارد و باید تغداد به حد نصاب پنجاه مرد برس و این مورد اشکال و ایراد حقوقی مهمی است که بر فیلم وارد می‌باشد.

در دیالوگی از فیلم مرضیه خطاب به جمع می‌گوید «زن‌ها نمی‌توانند اقامه قسامه کنند فقط من و راضیه که اولیای دم هستیم می‌تونیم.»

استناد حقوقی این دیالوگ ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی است که اشعار داشته «سوگند شاکی خواه مرد باشد خواه زن، جز نصاب محسوب می‌شود»

در دیالوگی دیگر از سکانس مربوط به داخل اتوبوس راضیه خطاب به یکی از خانم‌ها می‌گوید «فامیل باید نسبی باشد بستگان سببی نمی‌توانند قسم یاد کنند» تا قبل از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ادا کنندگان سوگند باید از بستگان و خویشاوندان نسبی، مورد نظر بودند. (ماده ۲۴۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ و اصلاحی ۱۳۸۰) لذا بستگان سببی حق ادای سوگند نداشتند. اما قانون مجازات ۱۳۹۲ با حذف قید «نسبی» به ذکر عبارت «خویشاوندان و بستگان» به صورت مطلق اکتفا کرده است (ماده ۲۳۶ ق.م.ا.) با این

تسخیری» تعیین کرده است. در این بخش به بررسی وکیل تسخیری می‌پردازیم. وکیل خود به دو بخش وکیل تسخیری و وکیل تعیینی تقسیم می‌شود. وکیل تعیینی است که خود شخص برای دفاع از حقوقش به دادگاه معرفی می‌کند. اما در پرونده‌های کیفری گاهی فرد به دلیل عدم توانایی مالی و امکان معرفی وکیل و پرداخت حق الوکاله را ندارد و در برخی جرایم هم حتی اگر خود فرد اقدام به درخواست وکیل نکند دادگاه موظف به تعیین وکیل برای او خواهد بود. به چنین وکیلی که توسط دادگاه برای متهم یا بزهدیده انتخاب می‌گردد، در اصطلاح «وکیل تسخیری» گفته می‌شود. بر اساس ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک در جرائم مستوجب مجازات سلب حیات جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی‌شود. چنانچه متهم، خود وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری الزامی است.

در این فیلم برای اثبات قتل عمد رضوان توسط بهمن، نجمه و برادر (خردسال بوده) به قاتل بودن بهمن شهادت داده‌اند. نکته‌ای که در مورد شهادت یکی از ادله اثبات کیفری مورد توجه قرار می‌گیرد آن است که در ماده ۱۷۷ ق.م.ا مقرر داشت که شاهد شرعی در زمان ادای شهادت باید دارای شرایط «بلوغ» فرد است. با توجه به اینکه برادر نجمه در حین ادای شهادت خردسال بوده شهادتش معتبر نخواهد بود. همچنین در ماده ۱۹۹ ق.م.ا نصاب شهادت در اثبات قتل عمدی شهادت دو مرد مقرر داشته بنابراین شهادت نجمه نیز صرفاً در حدود اماره قضایی خواهد بود. در دیالوگی از فیلم خسرو، همسر راضیه

خطاب به او می‌گوید «حکم بگیری باید قبلش دیه بدی داری؟ دایی راضیه: اون کشته ما باید دیه بدهیم؟ خسرو: دیه زن نصف مرده از اینور زن مرده از اونور مرد. باید نصف دیه آن را بدهیم دیه کامل مرد ۲۳۱ میلیون تومان است. ماه حرام بوده ۳۰۸ میلیون شده. نصفش میشود ۱۵۴ میلیون نصف دیه را هم خواهرت مرضیه می‌خواهد بگیرد.»

نکات حقوقی که در این بند از دیالوگ فیلم اشاره شده است عبارت است از: به استناد ماده ۵۵۰ دیه قتل زن نصف دیه مرد است و بنابراین در صورتی که مردی زنی را به عمد به قتل برساند برای قصاص مرد باید نصف دیه کامل را اولیای دم به مرد بدهند تا او را قصاص کنند. بر اساس ماده ۳۸۵ ق.م.ا در صورتی که قتل در یکی از ماه‌های حرام یا در مکه مکرمه واقع شده باشد دیه تغلیظ می‌شود و علاوه بر دیه نفس، یک سوم دیه نیز افزوده می‌شود. در مواقعی که قاتل در زمان و مکان مذکور قصاص گردد و قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه از سوی ولی دم به قاتل باشد فاضل دیه تغلیظ نمی‌شود.

همچنین دیه‌ای که ولی دم به دیگر اولیا می‌پردازد تغلیظ نمی‌شود. بنابراین یکی دیگر از ایرادهای مهم حقوقی در این فیلم بر این دیالوگ وارد است. اینکه قتل در ماه حرام اتفاق افتاده صرفاً دیه مقتول تغلیظ می‌شود و برای قصاص قاتل حتی در ماه‌های حرام نیز با تصریح ماده ۳۸۵ ق.م.ا فاضل دیه‌ای که اولیای دم به قاتل می‌دهند تغلیظ نمی‌شود. و همچنین دیه‌ای که ولی دم به دیگر اولیا می‌پردازد هم تغلیظ نمی‌شود.

نکته دیگری که می‌شود اشاره کرد

را روی قرآن بگذارد. تغلیظ قسامه است و نیاز به موافقت اقامه کننده قسامه دارد. در نهایت می‌توان گفت قسامه در بین ادله اثبات کیفری از کمترین اعتبار برخوردار است. چرا که هیچگاه منتهی به علم قطعی نمی‌شود. به همین دلیل قانونگذار هم سخت‌گیری‌های زیادی در مورد اثبات قتل عمد به وسیله قسامه نموده است. این فیلم با وجود اشکالات حقوقی بسیار سختی و مشقت اقامه قسامه را نمایان می‌کند.

مربوط به دیالوگی است که راضیه نحوه انجام قسامه را توضیح می‌دهد «راضیه: قاضی اسم هر کی را صدا زد می‌رود جلو دست راستش را روی قرآن می‌گذارد قسم می‌خورد. والله بالله تالله قسم می‌خورم که بهمن رضایی به عمد رضوان ربیعی را به قتل رسانده است.» نحوه انجام سوگند در ماده ۲۰۳ ق.م.ا بیان شده است. که با لفظ جلاله والله بالله تالله انجام می‌گیرد اما اینکه در ادامه قسامه فرد دست خود



---

پاییز و زمستان ۱۴۰۲  
دوفصلنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی

نشر داد

انجمن علمی حقوق دانشگاه محقق اردبیلی

---

